



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ برای امپریالیسم
و شکست زنجیریش

بها: ۵۰ ریال

آذر ۶۶ - ۴۰ صفحه

سال دوم شماره ۱۶

لبنان و نقش ارتجاعی جمهوری اسلامی بر علیه انقلاب فلسطین

قیام یکپارچه توده های
ستمیدده فلسطینی در سرزمینهای
اشغالی که بمناسبت سالگرد
آغاز مبارزه مسلحانه این خلق
بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم
صورت گرفت در حالیکه با
شدت هر چه تمامتر ادامه
داشته و هر روز اوج تازه ای

میگیرد، دشمنان رنگارنگ این
خلق را به تکاپو برای
چاره جوش واداشته است.
در این میان رژیم
وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی علیرغم همه دادوستدها
و همکاری در زمینه های مختلف
در صفحه ۵

سرمقاله



۱۶ آذر فرازی در جنبش دانشجویی ایران

۱۶ آذر سال ۱۳۴۲ در تاریخ
خونین مبارزات ضد امپریالیستی
مردم میهنمان یکی از
درخشانترین جلوه های مقاومت و
مبارزه خلق بر علیه سلطه
امپریستی امپریالیسم است.
سی و چهار سال پیش در چنین
روزی، در حالیکه رژیم ضد خلقی
شاه خائن مشغول آماده سازی
مقدمات پذیرائی از اربابان
امریکائی اش و از جمله نیکسون
جنایتکار نبود، دانشگاه
تهران در میمان فریادهای
متحدانه "مرگ بر امریکا"
و "مرگ بر شاه" دانشجویان
انقلابی و مبارز میلرزیدند.
ولی سرانجام گارد ضد خلقی شاه
بنایه ماهیت سرکوبگرانه اش
با گشودن آتش بر روی دانشجویان
در صفحه ۲

راه کارگزیرپوشش شعار چپه در صدد ائتلاف با چه کسانی است؟ (قسمت دوم)

صفحه ۴۰

گزیده هایی از رادیو صدای چریکها:

درباره روابط جمهوری اسلامی با امپریالیسم فرانسه

کردستان سنگرباید مقاومت بر علیه جمهوری اسلامی

مزدوری جمهوری اسلامی از لایله ی چند گزارش خبری

صفحه ۲۶

"زندگی"... آوارگان در اسلام آباد

صفحه ۲۰



- * شعر ۲۲
- * مارکسیسم و انقلاب
- نامه مارکس به الیزابت
- انگلس در کیرشن ۲۴
- * اخبار ۲۲
- * روز شمار آذر ماه ۲۹
- * شهدای آذرماه
- چریکهای فدائی خلق
- ایران ۳۹

گزارش کوتاهی از شهر مهاباد

صفحه ۱۷

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

۱۶ آذر فرازی در جنبش دانشجویی ایران

از صفحه ۱

بیگناه، خون سه تن از دانشجویان مبارز یعنی شریعتی، شریعتی، سعادت قندی و بزرگ نیارا بر زمین ریخته و این روز به اعتبار مبارزات دانشجویان دانشجویران و بزرگداشت یاد دانشجویان شهید، روز دانشجو نامیده شد.

دانشگاه از دیر باز و در شرایط متفاوت دیکتاتوری امپریالیستی در مینمان، چه در زمان شاه جلاد و چه تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، امواج مستقیم تعرضات و سرکوبهای دهنمنشانه، قسرار داشته و به اعتبار ارتبساط آهنگ جنبش دانشجویی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و نقش بی‌ارزشانه دانشگاه و مبارزات دانشجویی در نشر عنصر انقلابی و بیکارجویی در نهضت انقلابی خلق ما دارای نقش مبارزاتی بسیار با اهمیت بوده است. در تمام دوران سلطه شوم امپریالیسم در ایران و هم اکنون دانشگاه نه تنها به مثابه یکی از سنگرهای مقسم نبرده بلکه در نقش کانونی برای رشد و ارتقاء آگاهی‌های

تربیت نیروهای مبارز و پیشاهنگ در انقلاب‌ها، بخش‌های تحت ستم ما نقش افرینی کرده و در هر جوش و طغیان انقلابی توده‌ای دوشادوش توده‌های کارگر و زحمتکش بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش جنگیده است. به همین خاطر است که میبینیم چگونه امپریالیستها در چند دهه اخیر از کانال رژیمهای سرکوبگر و وابسته شاه و خصی، صرف نظر از کار بود انواع تمهیدات و ترفندهای ضد خلقی، در هر فرصتی هم که به دست آورده‌اند مبارزات دانشجویان انقلابی و مبارز را در صحنه دانشگاهها به خاک و خون کشیده‌اند.

جدا از نقش جنبش دانشجویی دانشگاه و مبارزات قهرمانانه دانشجویان مبارز در سالهای طولانی سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در جریان رشد و اعتلای مبارزات توده‌ای برای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه طی سالهای ۵۷ - ۵۶ دانشگاه همه جا نقش خویش را به عنوان جز جدائی ناپذیر جنبش انقلابی خلق ایفا نموده و همه به یاد دارند که چگونه

اکثر تظاهرات و راهپیماییها و درگیریهای توده‌های قیام کننده از دانشگاهها شروع و بنا به آن ختم میشد و خلق ما در طول این پروسه و بخصوص در جریان قیام خونین بهمن، بروشنی نشان داد که چگونه تسلط بر مبارزات و جانشینان مبارزان دانشجویی را در تکیه دانشگاه به سنگر آزادی و انقلاب فراموش نکرد و همیشه

بر بستر همین مبارزات دلیرانه و قهرمانانه بود که سرانجام وقتی امپریالیستها غارتگر بهمنک از عمیلان انقلابی کارگران و دانشجویان و سایر توده‌های به پا خاسته بسایداری متافع خویش را در عزله شاه و رژیم ازبهری دیده و به جلی آن سگان زنجیرری جدید خود را در هیات جمهوری اسلامی به صحنه آوردند. این رژیم در حالیکه به فریبکارانه‌ترین دسیسه‌ها علیه دار پیشبرد و اجرایی سیاستهای امپریالیسم در تمام عرصه‌ها بود، پیش از همه

مردی بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۶ - اذر ۶۶

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

دانشگاه را مورد یورش خمینی قرار داد، به واقع رژیم ضد خلقی جدید برای سازمان دادن تعرض به توده‌ها بلافاصله و از اولین روزهای موجودیت خود دست به کار شد و یورش و خرابی خود را به دستاوردهای پیام بر شکوه بهمن در تمامی عرصه‌ها آغاز کرده و به تبع از چنین سیاستی در ابتدا دانشگاه‌ها را نشان رفت و به این ترتیب و طی درگیریها و برخوردهای بی‌شمار دیگر دانشگاهها هر طول یک پروسه به صحنه جنایت و سرکوبی مبدل گردیدند که طی آن چهره واقعی جمهوری اسلامی که میکوشید خود را یک رژیم انقلابی دو ائتلاف و فدائیسازیست جذب کند در انظار توده‌ها هر چه بیشتر افشاش گردید و در اوج این پروسه در اول اردیبهشت ۵۹ ضد انقلاب جدید یعنی جمهوری اسلامی وابسته به نام "انقلاب فرهنگی" به سرکوب و خرابی جنبش انقلابی پرداخت و جنایت ۱۶ اذر شش را به نحوی گسترده تر تکرار نمود و قداره‌بندان جمهوری اسلامی در این روز طی یک

یورش سراسری و سازمانیافته به دانشگاهها حمله بردند و به قلع و قمع دانشجویان پرداختند و دانشجویان مبارز نیز با مقاومت انقلابی خود، یکبار دیگر خاطر دلاوری همزمان خود شریعت رضوی و قنچی و بزرگ نیا را زنده کرده و در این رویارویی ناهرابر چندین دانشجوی مبارز دیگر به خاطر دفاع از آزادی، بدست مزدوران امپریالیسم به خاک و خون در غلطی شدند بسیاری از دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و با دستگیر و روانی سیاهچالها شدند.

جمهوری اسلامی که زمانی با دغلكاری فراوان دانشگاهها را مراکز "انقلاب" ضد سلطنتی مینامید خیلی زود نقاب از چهره برکشید. دانشگاه

را با دانشجوهایش به گلرگه بست و تعطیلشان نمود.

البته تعطیلی دانشگاهها نمیتوانست در فراز مسندت منطق بر اهداف ضد خلقی رژیم حاکم باشد چرا که هر شکل ضروریات پانصداری از منافع امپریالیستی و مصلحت نظام سرمایه‌داری موجود، نیازمند حجمی از نیروی تحصیل کرده و حقوق‌داتها و تکنیسینها و مهندسين و ... است که مسلماً باید علوم و دانشش مورد فدايی راجع را اجرا گرفته باشند و در این چارچوب بود که جمهوری اسلامی به تدریج و طی یک پروسه اقدام به بازگشایی دانشگاهها نمود.

دانشگاهها کم کم دایر شدند اما جمهوری اسلامی تنها امروز با تملی قوا کوشیده است که دانشگاههای دانش شمه را تحت داکمیت زور و سرنیزه خویش، بیشتر به کانونی برای تفتیش عقاید و کنترل و سرکوبی توده‌های روشنفکر و دانشجوی بدل سازد امروز گسترش و نفوذ چشمگیر حیطه فعالیت مستقیم دستگاه سرکوب متشکسل از انجمنهای اسلامی و ...



مهمترین مشخصه دانشگاهها تبدیل شده است کنکور اسلامی، عدم سابقه فعالیت سیاسی، وابستگی های متفاوت به ارگانهای سرکوب و موانع عد خلقی پیشملازی است که هر دانشجو برای ورود به دانشگاه باید آنها را زیر نره میبیند دانشگاههای تفتیش عقاید و انگیزاسیون جمهوری اسلامی از سر بگذرانند و این در حالی است که کلیه نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک سرکوبگر رژیم نظیر سپاه و جهاد و کمیته های ضد خلقی و سایر دارودسته های مزدور و سهمیه های از قبیل تعیین شده ای را برای ورود بی دردسر به دانشگاهها در اختیار دارند .

جمهوری اسلامی امروزه با حاکم کردن شرایط رعصب و وحشت در دانشگاهها با تمام توان میکوشد در عین حال که دانشگاهها را در راستای نشر و گسترش دستگاه ایدئولوژیک بسازد و ارتجاعی خود به خدمت بگیرد در همان حال با به کارگیری شدیدترین شیوه ها و طرق سرکوب و از رشد کوچکترین افکار آگاهگرانه و انقلابی بر ضد روابسط و نظم امپریالیستی موجود در بین دانشجویان ممانعت به عمل آورد . در واقع تمامی تبلیغات و هم رژیم بیانگر این مقصود است که دانشگاهها نیز به مانند سایر نهادهای جامعه بسازند

در خدمت حفظ و گسترش بلامنازع سلطه امپریالیستی بر تمام شئون زندگی توده ها، باشنده اما تمهیدات ضد خلقی جمهوری اسلامی در دانشگاهها تنها به این موارد ختم نمیگردد . سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با گسترش هرچه بیشتر جنگ امپریالیستی و شعله ور کردن آتش خانمانسوز آن در راستای منافع سرمایه داران جهانی و حتی از دانشگاهیان نیز بعنوان منبعی برای تامین گوشت دم توپ ماشین جنگی خود نگذاشته اند و هر سال تعدادی از دانشجویان بی گناه مطابق سهمیه ای که از سوی رژیم برای هر دانشگاه قرار داده شده است به جبهه های بی بازگشت جنگ امپریالیستی ایران و عراق همان نیروهای انقلابی و مبارز روانه میشوند .

امروز جنبش دانشجویی در دانشگاهها داد سخن میدهند آنچه که در فوق شرح مختصر آن رفت . نمایانگر

در صفحه ۲۵



۱۶ آذر روز دانشجو روز شهادت دانشجویان قهرمان مصطفی محدث فندقی، احمد بزرگ نیاوشری است رضوی گرامی باد !

لبنان و نقش ارتجاعی جمهوری اسلامی بر علیه انقلاب فلسطین

از صفحه ۱

با رژیم صهیونیستی اسرائیل (پ) و علیرغم تمام دشمنی که بنابه ماهیت ضد خلقی خویش با خلق قهرمان فلسطین دارد، ریاکارانه خود را دوست ایمن خلق جا زده و از حمایت خویش از جنبش خلق فلسطین داندختن میدهد. در حالی که حتی در تبلیغات انجمنی خود نیز سعی در تحریف جنبش خلق فلسطین داشته و اثر آن نه جنبش برای کسب حق تعیین سرنوشت بلکه جنبش اسلامی جلوه میدهد. بدون شک چنین برخوردی خود نمسوداری از دشمنی رژیم مغرور جمهوری اسلامی با خلق قهرمان فلسطین است. ولی برای درک هر چه بیشتر دشمنی این رژیم با توده های ستم دیده فلسطینی و شناخت سیاستی که در این رابطه دنبال میکند، لازمست سیاستهای مزورانه او را در لبنان مورد بررسی قرار دهیم چرا که سیاستهای مزورانه و ریاکارانه رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق قهرمان فلسطین بطور برجسته در لبنان خود را نمایان میسازد.

* * *

لبنان یکی از کشورهای جهان است که بدلیل عملکرد تضادهای متعدد در درون آن و

تشدید روز افزون این تضادها، سالهاست که به میدان درگیریها و کشمکشهای گروهها و دستجات مختلف تبدیل شده است.

حدوداً تا سال ۱۹۷۵ با جولان سرمایه های امپریالیستی در لبنان، این کشور بصورت یکی از مراکز بیرونق تجاری درآمد و از لحاظ رشد سهم سرمایه داری در منطقه شهرت یافت بگونه ای که به صورت اصطلاحاً پاریس خاورمیانه خوانده میشد ولی نفوذ و گسترش سرمایه های امپریالیستی که به قیمت خانه خرابی اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و فقر و فلاکت توده های تحت سلطه مسسورت میگرفت، اثرات مخرب خود را بر جامعه لبنانی بتدریج هر چه بیشتر آشکار مینمود. با رشد تضادهای طبقاتی زحمتکشان و عموم توده های تحت سلطه در یک طرف و امپریالیستها و سرمایه داران وابسته لبنانی در طرف دیگر

بیش از پیش در مقابل یکدیگر صف اراشی کردند و مبارزه فیما بین آنان با شدت هر چه فزونتری جریان یافت. در سال ۱۹۷۵ لبنان بطور کامل صحنه درگیریهای طبقاتی شد و آتش جنگ بین طبقات متخاصم اجتماعی در آن زبانه کشید. پس از آن، اوضاع بالکل تغییر یافت و در مدت ۱۲ سالی که از آن زمان میگذرد تداوم جنگ به اندامی صورت مختلف باعث خرابی و ویرانی بسیار این کشور گشته تا آنجا که لبنان اکنون بصورت کشوری جنگ زده و فلاکتبار درآمده است.

هم مرزی لبنان با اسرائیل بعنوان سرزمینی غصب شده، فلسطینیان، اسکان فلسطینیهای رانده شده از موطن خود در لبنان و تداوم مبارزه این خلق با نیروهای صهیونیستی در حالیکه خطر دائمی و جدی برای اسرائیل محسوب میگردد و بررشد مبارزات فدائی صهیونیستی



در امریکا (جریان ایسران گیت) اسنادی رو شد که پرده از داد و ستدها و روابط تنگاتنگ دو رژیم ضد خلقی ایران و اسرائیل برداشت.

* علیرغم همه ظاهرسازیهای که رژیم جمهوری اسلامی در کتمان رابطه خود با رژیم غاصب اسرائیل بکار میگیرد، در رابطه با تشدید تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی

توده‌های لبنانی شایسته‌تر
بمزائی داشته است. بخصوص
که خلقهای فلسطین و لبنان
هر دو عرب بوده و از زبان
مشترک برخوردارند که خود
موجب همبستگی باز هم بیشتر
این دو خلق تحت ستم پسا
یکدیگر است. در وجهی
دیگر همانطور که میدانیم
در تقسیم و تجدید تقسیم
جهان توسط امپریالیستها،
لبنان جزء منطقه نفوذ
امپریالیستهای فرانسه
محسوب گردید ولی تقسیم
این امپریالیسم در سطح جهان
نبود قدرت بین امپریالیستها
را شدت داد. تسلط
امپریالیستهای فرانسه
برای حفظ منطقه نفوذ
خوش و حرص و اشتیاق
امپریالیستهای دیگر و مشخصا
امپریالیسم آمریکا برای حفظ
نفوذ خود در لبنان و کوتاه
کردن دست امپریالیسم فرانسه
از این منطقه، همچنین
تضاد حادی با عملکردهای
متخاص خود در صحنه سیاسی
و اجتماعی لبنان مطرح بوده و
هم امروز با شدت جریان دارد.
این تضاد در بستر مبارزات
طبقه‌ای و ملی توده‌های
لبنانی و فلسطینی پسا
امپریالیسم و صهیونیسم
تاثیرات خود را بر روند
نضایا در لبنان بجا
میگذارد.

در بررسی اوضاع لبنان

در عین حال باید توجه
داشت که ضعف حکومت
مرکزی با تضادهای حاد
درونی آن، در مقابل قدرت
مبارزات خلقهای قهرمان
لبنان و فلسطین همواره
موجب آن شده است که ارتش‌های
مزدور امپریالیستی برای
سرکوب توده‌های پساخاسته
به کمک حکومت مرکزی بشتابند
و هر بار تحت عناوینی ظاهر
الطرح در سرکوب مبارزات
توده‌ها و جلوگیری از رشد
هر چه بیشتر آنها حکومت
مرکزی را یاری دهند. هر چند
همین امر تضادهای را نیز
فیمابین این نیروها پسا
حکومت مرکزی موجب شود. در این
میان باید از ارتش مزدور
سوریه و نقشی که این ارتش
در مقاطع خاص از جنبش
خلقهای لبنان و فلسطین در
سرکوب آنها داشته و مرتکب
جنایات بیشرمانه در حق این
خلقها گشته است، بطور برجسته
شام برد. همچنین باید به
نقش ارتش فد خلقی اسرائیل
اشاره کرد که تحت عنوان
جلوگیری از نفوذ نیروهای
فلسطینی بدون سرزمینهای
اشغالی، رسماً حملات نظامی
خود را بر علیه نیروهای
فلسطینی در خاک لبنان سازمان
میدهد. در همان حال امروز با
اشغال بخشی از خاک لبنان
و ایجاد نوار باصطلاح امنیتی
برای خود مزدورانی را بنام
ارتش جنوب لبنان برای مقابله

با نیروهای مبارز فلسطینی
در این منطقه سازمان داده
است.
اما اوضاع در رابطه با
شرایط نابسامان لبنان به
همین جا ختم نمیشود. ضرورت
مقابله و سرکوب میسارزات
ضدامپریالیستی و صهیونیستی
جاری توده‌های فلسطینی و
لبنانی از یکطرف و الزامات
رقابتهای امپریالیستی
و مبارزه فیمابین
امپریالیستها در این منطقه
بخاطر غلبه یکی بر دیگری
جهت حفظ یا گسترش منطقه
نفوذ خویش باعث آن شده است
که هر یک از جناحهای مختلف
امپریالیستی مبادرت به تشکیل
گروههای سیاسی و نظامی خاص
خود بنمایند تا ضمن کنترل
اوضاع، سیاستهای خود را از طریق
انها اعمال کنند. عملکرد
ارتجاعی همین گروهها و
دستجات فدخلقی در کنار
عوامل دیگر از جمله عملکرد
حکام مرتجع عرب در لبنان
باعث ایجاد شرایط بفرنج
و نابسامان در این سرزمین
گشته است.

اکنون در لبنان احزاب
و دستجات متعددی از گروههای
فلسطینی که هر یک خود را مدافع
ارمان خلق فلسطین مینامند و
از گروههای آزادیخواه و مترقی
لبنانی گرفته تا گروههای
که موجودیتشان مدیون
امپریالیستها و سگان

زنجیرشان بوده و بوسیله آنان تخلیه میگردند - گروههای که بخاطر تامین منافع مشتی سلطه گر بوجود آمده و لسی بظاهر خود را مدافع توده ها و مدافع فلسطین مینامند - تا ارتش جنوب لبنان - همه و همه در لبنان فعالیت دارند - بر زمینه چنین شرایطی است که حضور نامبارک جمهوری اسلامی با حزب الله معروف عام و خاص و با دستجات و گروه های ریز و درشتی که در این سرزمین دست و پا کرده واقعیت یافته است .

جمهوری اسلامی در لبنان چه میکند ، مجری چه سیاستهایی است و این سیاستها را با چه دستاوردهایی به پیش میبرد ؟ اگر مینوا ادعاهای خود جمهوری اسلامی و مبلغین جیره خوار محافل مختلف امپریالیستی که عمدتاً از طریق رادیوهای شناخته شده شبانه روز به خورد توده ها میدهند قرار دهیم ، علت حضور جمهوری اسلامی را در لبنان باید بخاطر صدور انقلاب اسلامی بدانیم و معتقد باشیم که جمهوری اسلامی بدلیل اعتقادات مذهبی خویش و بخاطر گسترش اسلام به اقصی نقاط و رهائی قدس " مقدس " و دیگر سرزمینهای اشغالی از طرف اسرائیل در

لبنان حضور یافته و به تشکیل دستجات مسلح و غیره پرداخته است و با بدلیل تحقق چنان نیاتی است که دست بوسیله گروهانگیری میزند ، با ارتش جنوب لبنان درگیر میشود و کارهای مختلف دیگر انجام میدهد .

ولی تحلیل مارکسیستی می آموزد که باید در پشت تمام ادعاها و تمام اقداماتی که با توجهات فلسطینی و ایدئولوژیکی مختلف از طرف افراد یا گروههای اجتماعی مشخص صورت میگیرد متفلسف انسان را جستجو نموده بر این اساس با توجه " صدور انقلاب اسلامی " نمیتوان حضور جمهوری اسلامی و عملکردهای آن را در لبنان توضیح داد و باید دید جمهوری اسلامی با ادعای صدور انقلاب اسلامی دست اندر کار اجرای کدام سیاست و بیف چه کسی میباشد !

واقعیت را بخواهیم جمهوری اسلامی بعنوان رژیم وابسته به امپریالیسم مجری سیاستهای امپریالیسم امریکا در لبنان میباشد و کلیه اعمال او در این سرزمین در خدمت پیشبرد اهدافی قرار دارد که امپریالیسم امریکا در تضاد با امپریالیستهای دیگر بخصوص امپریالیسم فرانسه در جهت سرکوب و جلوگیری از رشد

مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای لبنان و فلسطین در پیش گرفته است . جمهوری اسلامی با توجه به شرایط روی کار آمدن خود و سیاست فریبگاران اش مبنی بر معرفی خویش بعنوان رژیم فدائی امپریالیسم و دمکراسی و بعنوان یک رژیم اسلامی که گویا بخاطر رواج اسلام و جاری ساختن احکام شرعی الهی بر سر کار قرار گرفته است از موقعیت مطلوبی برای اجرای بخشی از سیاست امپریالیسم امریکا در لبنان برخوردار است .

همانطور که میدانیم تکیه بر مذهب و تقویت مراکز موسسات مذهبی اگر چه بدلیل نقی که مذهب در تحقیق توده ها و حواله دادن خواسته های واقعی و زمینس انسان به آسمانها دارد همواره مورد استفاده سرمایه داران میباشد ولی در سالهای اخیر تکیه به مذهب یکسری از عمده ترین و شائلی بوده است که امپریالیستها در مقابلها با جنبشهای فدائی امپریالیستی توده ها در سطح جهان بسته آن تملک جسته اند .

در شرایط اضطرار سرمایه داری و در شرایطی که بحران سراسر نظام امپریالیستی را در بر گرفته ، خیزشهای

توده ای ورشد مبارزات انسان بر علیه نظام موجود امپری اجتناب ناپذیر میباشد و از آنجا که کمونیسم سرسخت ترین دشمن امپریالیسم و تنها راه نجات بشریت از قید هرگونه استم و استثمار است و اقبالیستهای جنبشهای وسیع توده ای در سطح جهان بسوی کمونیسم بطور فزاینده ای در حال گسترش است، امپریالیستها بیش از هر زمان دیگر چاره را در توصل به مذهب دیده و آن را با توجه به مقتضیات شرایط تنها وسیله موثر برای مقابله با کمونیسم یافته اند. برایین سبب جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم مذهبی که وجود موجودیتش را مرهون سیاست امپریالیستی فوق الذکر میباشد در خدمت اجرای این سیاست در لبنان موقعیت مطلوبی دارد. از طرف دیگر نفوذ در جنبشهای ضد امپریالیستی توده ها و کوشش در از هم پاشاندن این جنبشها با انحراف مسیر آنان از مدتها پیش در دستور کار امپریالیستها و مزدورانشان در اقصی نقاط جهان قرار گرفته، آنها ترجیح میدهند حتی المقدور قبل از اینکه افکار ادر مقابل جنبشهای توده ای قرار گرفته و مستقیما امواج حطالت توده ها واقع شوند با رخنه در درون این جنبشها با شعارهای توخالی ضد امپریالیستی و

ادعاهای گزاف با اصطلاح انقلابی و حتی با دست زدن به اعمالی که بیش از آن نیروهای چسب در مبارزات فرخشان خود بر علیه دشمن بکار گرفته اند، به بیخ و ساز ماندهی توده ای در خدمت اهداف خویش پرداخته و به ترتیب ضمن هرز بردن نیروی جنبش ضد امپریالیستی توده ها و جلوگیری از رشد مبارزات آنان در مسیر درست و انقلابی به مقاصد ضد خلقی خویش نائل آیند. همانطور که میدانیم سردمداران رژیم جمهوری اسلامی با ادعای ریاکارانه دشمنی با امپریالیسم، امکان جلوس بر تخت حکمرانی را در ایران یافته اند. هر چند که قسائوت دامنشانه این رژیم در رابطه با سرکوب مبارزات حق طلبانه توده های دربند و دیگر اعمال ضد انقلابی و ارتجاعی امروز در ابعاد چشمگیری افشاشده و بیش از پیش آشکار گشته است که ادعای ضد امپریالیست بودن از طرف این رژیم فریب و دروغی بین نیست. مع الوصف برای توده های ستم دیده لبنان و فلسطین که در شرایط نابسامان زندگی با مضامین فراوان دست به گریبانند، ادعاهای این رژیم بخصوص وقتی با اعمالی که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد توأم گردد، میتواند امکان مقبولیت داشته باشد.

بنابر این جمهوری اسلامی در رابطه با تحقق سیاست امپریالیستی رخنه در جنبشهای حق طلبانه توده ها و هرز بردن نیرو و توان آن جنبشها جهت ممانعت از رشد آنها نیز دارای مولفیهی است که امپریالیسم امریکا از آن برای پیساده کردن مقاصد خود خویش در لبنان بهره میجوید. به این ترتیب وظایف رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در لبنان در چهارچوب سیاست امپریالیسم امریکا در این سرزمین در جهت غلبه بر جنبش ضد امپریالیستی و ضد امپریالیستی توده های لبنان و فلسطین و گسترش نفوذ خود در لبنان آشکار میشود. جمهوری اسلامی در لبنان با استفاده از امکانات و شرایط از یکطرف دست به تشکیل چند گروه اسلامی زده و عزب الله را در آنجا فعال نموده است و از طرف دیگر با نفوذ در گروههای ارتجاعی و مذهبی موجود در منطقه از طریق قرار دادن امکانات مالی و غیره در اختیار آنان و ایجاد ارتباط نزدیک با گروههای سیاسی دیگر سعی در پیشبرد سیاستهای معولسه را دارد. گروگانگیری و بخصوص گروگانگیری اتباع فرانسوی توسط گروههای وابسته به جمهوری اسلامی گوشسسه ای از



عملکردهای رژیم در لبنان را نشان میدهد. این عملکرد در درجه اول به رژیم امکان قدرت نمایی و تحکیم موقعیت خود در لبنان را میدهد. در عین حال گروگانگیری اتباع کشورهای اروپایی و آمریکایی فرصت دوباره ای ایجاد میکند که رژیم باطبل خود را در مسووردن دامپریالیست بودن خویش تکرار نموده و علاوه بر مزایایی که این امر در ایران نصیب وی میسازد در صحنه سیاسی لبنان نیز استفاده لازم را از این امر بببرد. ولی مسئله به همین جا خاتمه نمیپذیرد.

گروگانگیری جمهوری اسلامی در لبنان باعث اعمال نفوذ اربابان رژیم در صحنه سیاستهای جهانی است و انطور که تجارب چند سال اخیر نشان میدهد، در حل و فصل تضادهای فیما بین جناحهای مختلف امپریالیستی این نوع گروگانگیری بارها مسوورد استفاده قرار گرفته است. در این زمینه جالب است بدانیم که محمد حسین فضل الله در لبنان بعنوان یکسسی از بر نفوذ ترین طرفدار جمهوری اسلامی اخیرا اعلام کرد که "تا روشن شدن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و فرانسه در سال ۱۹۸۸ وضعیت گروگانها تغییر نخواهد کرد و موضوع دیگر

از کنترل لبنانی ها خارج شده است". اما رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در رابطه با نفوذ در جنبش خلق فلسطین عملکردهای خاصی را به مسوود اجرا گذاشته است.

در وجه سیاسی: حزب الله در لبنان ظاهرا خود را درگیر مبارزه با همسان دشمنی جامیزند که خلق فلسطین سالهاست بمبارزه بر علیه ان برخاسته است. اگر مسئله مبارزه با صهیونیسم مطرح است و اگر فلسطینیان خواهان بازگشت به موطن خویش میباشند، در تئوریهای حزب الله امری حتمی الاجرا است و ضرورت ان با ضرورت جنگ اسلام با کفار و آزاد کردن اماکن مقدسه از قید صهیونیستها. توضیح داده میشود. حزب الله فلسطینیان را پسران دران مسلمان فلسطینی مینامسد و مروج این عقیده است که جنبش خلق فلسطین نه یک جنبش ملی بل یک جنبش اسلامی است. در عین حال این حزب الله اگر در داخل ایران حتی تحمیل شنیدن عنوان حق تعیین سرنوشت مثلا در رابطه با خلق قهرمان کرد را ندارد در خارج از مرزها در لبنان و در میان فلسطینیان مستعدیده و محروم خود را مدافع همین حق برای خلق فلسطین قلمداد

میکند. البته دم خروس همواره از زیر عبای اینسان پیدا است و خوب است بدانیم حزب الله در لبنان در حالیکه با جریاناتی چون "اسل" که دشمنی دیرینه خود را با خلق قهرمان فلسطین در عمل و با ارتکاب به جنایات سنگینی همچون محاصره ددمنشانه اردوگاههای فلسطینی نشان داده اند، نزدیکی دارد (۱۰) در همان زمان با سازمانهای فلسطینی تمیل که با تمسک خطاها و نواقص خود به هرحال در صف خلق فلسطین قرار آورده شدید اخسومت میورزند و البته این امری واضح و بدیهی است چرا که یکی از رسالتهای او در لبنان در عین حال تضعیف سازمانهای مبارز موجود در میان خلق فلسطین میباشد و اساسا

در محاصره اردوگاههای صبرا و شتیلا و برج البراجنه توسط نیروهای جنایتکار امل انها کار جنایت را به انجا رساندند که آب را بسمه روی فلسطینیها بسته و از ورود هر گونه مواد غذایی به اردوگاهها جلوگیری نمودند، تا جایی که مردم به خوردن گوشت سگ و گربه روی آوردند و پس از اینکه دیگر هیچ سگ و گربه ای در محل باقی نماند پیشوایان مذهبی فتوای خوردن گوشت میهت را برای انان صادر کردند.

میکوشد بخصوص با استفاده از ضعفهای سازمانهای فلسطینی مذکور خود را بعنوان الترناتیوی به حق مطرح نماید. در وجه نظامی: در شرایطی که موجودیت هر نیروی میسای در لبنان عمدتاً به مسلح بودن آن بستگی داشته و اساساً با انجام عملیات نظامی میتوان حضور خود را در این منطقه به اثبات رسانید. گروههای وابسته به رژیم جمهوری اسلامی در لبنان به انجام عملیات مسلحانه بر علیه مواضع اسرائیل میپردازند و بخصوص ارتش جنوب لبنان که در مزدوری دست کمی از خود حزب الله ندارد. اماح حملات اشان قرار دارد. شکی نیست که اسرائیل به عنوان يك نیروی متجاوز ضد خلقی که دارای علقه های قوی با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است از وضعیت نیروهای اسلامی مرتبط با این رژیم در لبنان و از اهداف و مقاصد انسان آگاه است و از اینسین رو رعایت های لازم را در حق انسان میذول میدارد و هیچوقت بطور جدی با چنان نیروهای درگیر نمیشود.

اما اقدامات دیگری که رژیم جمهوری اسلامی در لبنان در راستای سیاست انحراف مسیر مبارزات خلق قهرمان فلسطین بخاطر جسد

نیروهای رنج دیده فلسطین به طرف گروهکهای دست ساز خویش انجام میدهد، درخور توجه خاصی است. اقدامات اساساً متکی بر بدی وضع اقتصادی و فقر و فلاکت توده هایست و رژیم با استفاده از این موقعیت در جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در این منطقه از کیسه خلقهای ستم دیده ایران میبخشد و علاوه بر دیگر مخارج گزافی که صرف حضور او در لبنان میگردد، سالیانه میلیونها دلار فقط در رابطه با جذب نیرو و تاثیر گذاری بر افکار عمومی در زمینه های با اصطلاح احتمالی خرج میکنند. در شرایط بحرانی و پس از سالها که لبنان صحنه جنگ و درگیریهای خونین نظامی بوده است، وضعیت بد اقتصادی حاکم امری بدیهی در این کشور است. وضعیت که فشارهای طاقت فرسایش بردن خلقهای محروم آن و بخصوص بر روی توده های ستم دیده فلسطینی قرار دارد. با وجود انگیزه های مبارزاتی قوی در توده های فلسطینی بالطبع چنین شرایطی باعث حرکت های مبارزاتی گسترده در بین آنها میگردد و توده ها بسوی سازمانهای مبارزی که با تمام نیرو بر علیه دشمن می جنگند روی میاورند. این واقعیت شدیداً مورد توجه رژیم جمهوری اسلامی در لبنان قرار دارد و دقیقاً با استفاده از این موقعیت

است که این رژیم به طرحریزی برنامه خود در این زمینه میپردازد. اگر شدت حکومت رژیم مزدور جمهوری اسلامی گرانی مایحتاج عمومی در ایران کمز زحمتکشان را شکسته و سیستم کوبنی باعث آن است که مردم با زحمت بسیار و به صرف وقت و انرژی در صفهای طولی به خرید بخشی از اجناس مورد نیاز خویش دست یابند، جمهوری اسلامی در لبنان برای اینکه نمونه ای از با اصطلاح جامعه اسلامی را به توده های مردم این منطقه نشان دهد، اقدام به دادر کردن "سوپر-مارکتهای اسلامی" نموده است. این سوپر مارکتهای اجناس را بعنوان با اصطلاح کمک به اهالی حتی کمتر از نصف قیمت و معمولاً به یک سوم بهای آن میفروشند. اگر بسیاری از فرزندان زحمتکش ایرانی بخاطر عدم کفایت مخارج زندگی خانواده از رفتن به مدرسه محروم شده اند و اگر بسیاری از خانواده های ایرانی چه به دلیل فزونی مبلغ شهریه، چه به دلیل گرانی لوازم التحریر و چه بدلیل هزینه هایی که از طرف با اصطلاح مسئولین مدرسه تحت عنوان کمک به جنگ و غیره به دانش آموزان تحمیل میشوند با تحمل فشارهای زیاد فرزندان خود را به مدرسه

میفرستند و در حالیکه رژیم با اقدام جنایتکارانه روانه ساختن دانش آموزان به میدانهای مرگ و نیستی جنگ امپریالیستی ایران و عراق موجب قتل گروه گروه از نوجوانان دانش آموز میگردد، حال در لبنان در نواحی شیعه نشین جنوب بیروت جمهوری اسلامی یکسری حامی و دلسوز مخلص دانش آموزان کشته است. برای آنان مدرسه میازود و آنها را به رایگان میپذیرد. دانش آموزان لبنانی، زبان فارسی و اصول انقلاب اسلامی را در این مدارس فراگیرند و وقتی اعلام شد ۴۰٪ از کودکان در سال قبل مسیحی از شدت فقر قادر به رفتن به مدرسه نیستند، فوراً حزب الله اعلام کرد که مخارج ۷۰۰۰۰ کودک متعهد به اعلام را پرداخت خواهد نمود.

کمک به کشاورزان و دامداران زمینه دیگری از اقدامات حیلک گرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در لبنان است و این در حالی است که کشاورزی و دامداری در ایران در بدترین وضع خود در حال حاضر قرار دارد و رژیم نه فقط هیچگونه اقدامی در جهت بهبود وضع آنان انجام نمیدهد بلکه با اقداماتی از قبیل وارد کردن گندم از خارج که بر اساس بعضی گزارشات صرف نظر از تمام مخارج جانی

هزینه هر کیلوی آن بالغ بر ۲۰ تومان میشود و خریدگندم کشاورزان به کیلوی ۲۰ تومان بیش از پیش به اقتصساد روستائی ضربه میزند. اگر زنان در ایسران بیبانه عدم رعایت حجاب اسلامی مورد چنان خشمی قرار دارند که دستجات چماقدار و مشتیی ولگرد و چاقو کش را در خیابانها رها میکنند که به روی زنها اسید پاشند و یا زنجیر آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهند، در لبنان جمهوری اسلامی سعی کرده است در مورد زنان چهره دیگری از خود نشان دهد. در اینجا به زنان شیعه پول پرداخت میشود تا "ارشاد" شده و جادر و مقنعه برای خود تهیه نمایند.

برپایی چندین داروخانه، زایشگاه و بیمارستان در حومه جنوب بیروت و ایجاد بانکهای که وامهای قرض الحسنه به مردم میدهند نیز از جمله اقداماتی است که رژیم بخاطر جذب مردم به سوی خود در لبنان در جهت انحراف مسیر مبارزات آنان انجام میدهد و بالاخره جمهوری اسلامی در انجا کودکان شیرخواره را نیز فراموش نکرده است و اگر کمبود شیرخشک در ایران منجر به رخسداد فاجعه های دهشتزا از قبیل ان فاجعه دلخراشی شد که پسری پس از مدتها جستجو برای خرید شیر خشک در تهران در اوج

عصبانیت و ناراحتی فرزندان شیرخوار خود را که از گرسنگی بی تناسی میکرد بر زمین زد و موجب مرگ او گردید، رژیم وابسته در اجرای سیاستهای امپریالیستی در لبنان به کودکان شیرخشک "هدیه" میکند. تقسیم دارو به رایگان در بین اهالی و از این قبیل نیز از طرف سرمداران رژیم در لبنان صورت میگیرد و خلاصه در این سرزمین رژیم جمهوری اسلامی نه فقط ان رژیم نیست که برای اخاذی از توده ها هر روز طرح تازه ای میریزد و ارگانهای گوناگونی میازود حتی از چپاول سفره ناچیز کارگران و زحمتکشان خودداری نمیکند و به عبارت دیگر از مرغ یک پیرزن فقیرتر نیز نمیگذرد بلکه رژیم است که با دست و دل بازی به کمک توده ها میشتاید و همچون خیرخواه ان داستانهای که رویای فقرا را منعکس میازند به دستگیری از بی چیزان میپردازد. در این مورد خبری از خبرنگار روزنامه گاردین در بیروت قابل ذکر است که میگوید "اعضای حزب الله این روزها در بدر به کسانی که احساس میشود به کمک نیاز دارند پیشنهاد کمک میکنند و حتی در بعضی موارد مرغنظر از وابستگیهای سیاسی شسان کمکهای مالی در اختیار آنان قرار میدهند. به گفته مردم در صفا ۱۱

راه کارگر زیر پوشش شعار جبهه

در صدد ائتلاف با چه کسانی است؟

(قسمت دوم)

از صفحه ۴۰

در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دست یافتن به دموکراسی سیاسی با دموکراسی بورژوازی دارای وحدت اراده می باشد و وحدت اراده او در یک جبهه با "دمکراتیک های بورژوا ناظر بر ایجاد و تحکیم قدرت سیاسی در چارچوب انقلاب دموکراتیک ملی" همراه با آنان پس از سرنگونی رژیم نیست. (رجوع کنید به قطعنامه مربوط به جبهه دموکراتیک و ضدامپریالیستی - راه کارگر شماره ۲۵) بلکه نهایت درجه فداکاری و گذشت (۱۱۱) راه کارگر در اینجا خود را نشان میدهد. او با ادعای نمایندگی طبقه کارگر بقول خود با دموکراتهای بورژوا، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وارد یک ائتلاف جبهه ای میشود و همه نیروی خود را در خدمت این جبهه قرار میدهد، ولی همینکه جبهه به هدف خویش نائل گردید و قدرت سیاسی از دست رژیم جمهوری اسلامی خارج شد، راه کارگر خود را کنار میکشد و

قدرت سیاسی بدست آمده را با سخا و تمندی تمام به نیروهای مؤتلفه خویش درجبهه یعنی به دموکراتهای بورژوا میسپارد! آیا برای این اساس راه کارگر جز جاده صاف کن بورژوازی نقش دیگری هم نیز میتواند داشته باشد؟

در همه جا وقتی یک نیروی سیاسی برنامه ای به جنبش ارائه میدهد و در جهت تحقق آن تلاش میکند، از آن جهت به این مبارزه دست میزنند که برنامه مزبور را در جهت تامین منافع طبقه ای که خود را نمایندگانش میداند، تلقی مینمایند و از این رو تمام هم خود را معطوف تحقق و اجرای مقاد آن برنامه قرار میدهند ولی در اینجا، در سخنان فوق الذکر، راه کارگر چنین جلوه میدهد که برعکس، مسئله او تحقق برنامه حداقل خویش در انقلاب دموکراتیک این "آغاز یک انقلاب خلقی" نیست. بلکه او گویا صرفاً وظیفه بشمر رساندن "انقلاب

دموکراتیک ملی" را برای "دمکراتهای بورژوا" بعهده داشته است و گرنه میبایست حداقل مشخص کند که ارگان دولتی پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدست چه کسانی خواهد افتاد و چه تضمینی برای تحقق برنامه حداقل وی توسط ارگان دولتی جایگزین وجود دارد. راه کارگر فقط به شرایط دموکراتیک بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میاندیشد و آنقدر به برقراری یک دموکراسی بورژوازی بس از سرنگونی رژیم اطمینان دارد که پیشاپیش بخاطر اینکه میاداد آزادیهای سیاسی بدست آمده اکتفاء کرده و در دموکراسی بورژوازی درجا زند، انقلاب مسوده نظرش را با همه دستاوردهای فرضی اش دودستی تقدیم بورژوازی میکند. اما... پس از گذشت این مرحله از انقلاب (بخشید) پس از گذشت این "آغاز یک انقلاب خلقی" از آنجا که

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسیم نیست

راه کارگر گفته است، خواهان "انقلاب پیگیر و گذاربی وقفه از انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی" میباشد، او دوره ای که "شرایط گذاربی وقفه به سوسیالیسم" برای وی فراهم نماید را سر خواهد گذراند، برنامه انتقالی راه کارگر - حاوی مطالباتی فراتر از چارچوب بورژوازی - همانطور که خود وی تاکید کرده است، ناظر بر همین دوره گذار "است". پس انقلاب دمکراتیک راه کارگر خود دارای دو فاز است. در فاز اول یک انقلاب دمکراتیک ملی بوقوع میبویند. رژیم جمهوری اسلامی سرنگون و شرایط دمکراتیک بر جامعه حاکم میگردد. در فاز دوم نوبت چنان انقلاب دمکراتیکی میرسد که باید "جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهروروستا" را متحقق سازد و در این زمینه نیز تاکید شده که: "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که هدف خود را استقرار آنچنان نظام سیاسی قرار داده است که شرایط گذار بی وقفه به سوسیالیسم، تامین حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و پیشرفت همه جانبه کشور را تسهیل و تضمین کند، برای تحقق جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهر و روستا مبارزه میکند." بنا بر این مسئله انقلابی که باید "جمهوری دمکراتیک

کارگران و زحمتکشان شهروروستا" را متحقق سازد، پس از سپری شدن دوران فاز اول مطرح خواهد شد ولی تا آن موقع و امروز "مسئله مقدم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با تحقق برنامه حداقل راه کارگر است و "تیکار برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دمکراسی سیاسی نقطه شروع مبارزه برای این جمهوری را تشکیل میدهد". چنین است که راه کارگر در حالیکه در شرایط کنونی انقلاب ایران را بدون مرحله قلمداد میکند، در سیستم نظریش مجموعه سه مرحله برای انقلاب قائل میشود. اول انقلاب دمکراتیک ملی که راه کارگر در این چارچوب با "دمکراتهای بورژوازی" به ایجاد و تحکیم قدرت سیاسی خواهد پرداخت. دوم یک انقلاب دمکراتیک دیگر که وی "جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهروروستا" را برپا خواهد ساخت و سوم مرحله انقلاب سوسیالیستی. حال اگر در نظر بگیریم که آنچه ضرورتهای جامعه ما میطلبد یک انقلاب اجتماعی به مفهوم نابودی سیستم سرمایه داری وابسته میباشد ولی راه کارگر در قبال این ضرورت مدام به لزوم فراتر رفتن از چارچوب بورژوازی تاکید می ورزد. "میتوانیم دریابیم که سه مرحله ای کردن مرحله انقلاب از طرف راه کارگر صرفاً یک توجیه نظری برای آپوشانی

بی اعتقادی او به ضرورت انقلاب در ایران میباشد. طرح عدم آمادگی شرایط برای یک انقلاب اجتماعی و محول کردن آن به آینده ای دور و در عین حال تجویز نسخه های رفرمیستی برای شرایط فعلی انقلاب، تاکتیک شناخته شده ایست که همواره توسط همپالیکی های راه کارگر یعنی توده ای ها اعجاز شده و راه کارگر باید بداند که به این ترتیب ادعای حدیثی از طرف او صورت نمیگیرد و پیش کنونی در این مورد با حزب توده است و اعتماد دنیاله مطلب در مورد ایجاد شرایط دمکراتیک و آزادیهای سیاسی پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که راه کارگر قول داده است در آن شرایط درجائزده و بسته آن آزادیها اکتفاء نخواهد کرد باید گفت جای چنان نگرانی نیست، خیالتان راحت باشد که تحت برنامه حداقل شما که در آن بورژوازی وابسته از هرگونه گزندی محفوظ بوده و مسئله قطع نفوذ امپریالیسم از ایران مطرح نیست، هیچ شرایط دمکراتیکی بوجود نخواهد آمد چراکه اختناق و دیکتاتوری در جامعه ما ناشی از حاکمیت امپریالیستی است و تا زمانی که سیستم سرمایه داری وابسته در جامعه ما برقرار است حاکمیت امپریالیستی پایرجا بوده و در نتیجه اختناق گریزناپذیر و

دمکراسی برای توده‌ها غیر ممکن خواهد بود. ولی راه کارگر بیش از آن در توهم بسر میبرد که بتواند متوجه این حقیقت گردد و اگر چه پند میدهد که نباید "بخاطر جلب عناصر و جریان‌های لیبرال و طرفداران دروغین دمکراسی، از طرح قاطع و صریح شعارهای دمکراتیک خودداری" (*) کرد ولی خود حتی المقدور از طرح قاطع و صریح شعارهای دمکراتیک خودداری نموده و با کونه نظری طرح شعارهای رادیکال و انقلابی در جنبش و طرح مطالبات دمکراتیک کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را در یک برنامه انقلابی رنگی و لعاب سوسیالیستی دادن به جنبش بورژوا دمکراتیک مینامد.

اکثون با پی بردن به نظر راه کارگر در مورد انقلاب ایران، میتوانیم برخی از خصوصیات که وی برای جبهه مورد نظرش در نظر گرفته است را بهتر بشناسیم.

مسئله جالب توجه و بسیارست بگوئیم مسئله عجیبی که در این زمینه مطرح شده این است که گویا جبهه باید فقط کار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را انجام دهد و "توافق

* - به راستی راه کارگرها توجه به همه افاضات رفرمیستی اش به چه کسی میتواند پند دهد؟!

روی مشخصات نظام سیاسی جایگزین نمیتواند مبنای جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی باشد " یعنی راه کارگر از نیروهای سیاسی مختلف میخواهد که بدون آنکه هدف مشترکی از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی داشته باشند، به میستارزه مشترکی دست بزنند آیا چنین چیزی عجیب نیست !!؟

البته دلیل طرح مسئله به این شکل از طرف راه کارگر معلوم است، ما دیدیم که برنامه وی برای جبهه برنامه ایست که از قرار باید یک انقلاب دمکراتیک ملی را متحقق سازد، در حالیکه او مدعی دفاع از منافع کارگران و تهیدستان شهر و روستا است و لذا نمیتواند آشکارا شرایط دمکراسی بورژوازی پس از سرنگونی رژیم (بگذریم از اینکه تصور چنین دمکراسی در جامعه ما ناجاست) را کعبه آمال خود معرفی کند. پس پیشاپیش دست آوردهای فرضی انقلاب دمکراتیک ملی را به متحدین خویش یعنی "دمکراتهای بورژوا" میسپارد و مطرح میکند که حاضر به "ایجاد و تحکیم قدرت سیاسی" همراه با آنان پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. " بواقع آنچه راه کارگر نقدا خواستار آنست حفظ سیستم سرمایه داری موجود و در عین حال دستیابی به دمکراسی بورژوازی است و برای لاپوشانی همین موضوع

است که اساسا در ائتلاف با نیروهای سیاسی مختلف نمیخواهد وارد بحث " مشخصات نظام سیاسی جایگزین " گردد. وارد شدن به این بحث و وارد کردن راه کارگر به اینکه مشخصات نظام سیاسی مورد نظر خویش را پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیان نماید، باعث میگردد که او نتواند در پشت عبارات " انقلاب پیگیر و گذار بی وقفه " و از این قبیل عبارات چهره واقعی خود را پنهان سازد و چنان بحثی مشت او را تماما بار خواهد کرد.

ولی راه کارگر برای این سخن خود که "توافق روی مشخصات نظام سیاسی با گرس نمیتواند معنای جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی باشد" توجیهاتی عرضه میکند از جمله اینکه گویا چنان توافق " عملا قابل حصول نیست " و عنوان میکند که "نقطه اشتراک در برنامه دمکراسی و براندازی رژیم جمهوری اسلامی معلوم نیست در فردای سرنگونی این رژیم حفظ شود....."

نقطه اشتراک در برنامه دمکراسی و براندازی رژیم جمهوری اسلامی گویا عملا قابل حصول است ولی توافق بر سر نظام سیاسی جایگزین عملا قابل حصول نیست. چرا؟ قبل از اینکه پاسخ این "چرا" را

از راه کارگر جویا شویم ، بسینیم آیا اساسا چنین چیزی در واقعیت امر ممکن است ؟ ظاهرآ راه کارگر به لحاظ اصولی نباید متکرر این امر باشد که برای هر یک از نیروهای که خواهان براندازی رژیم جمهوری اسلامی و کسب دموکراسی میباشد ، ماهیت رژیم سیاسی جایگزین و چگونگی دموکراسی مورد نظر ، امر معلوم و مشخصی است و در هر حال هر یک از آن نیروها خواهان کسب قدرت سیاسی بخاطر تأمین منافع این یا آن طبقه و استقرار دموکراسی بنفع طبقه یا طبقات معینی در جامعه میباشد و اگر غیر از این باشد باید نتیجه گرفت که راه کارگر برای مبارزه نیروها "هدف" قائل نیست ، امر مضحکی که صرفا موجب تمسخر است ، ولی اگر هدف هر یک از نیروها از براندازی رژیم جمهوری اسلامی مشخص است و آنها میدانند که بخاطر استقرار کدام دموکراسی و به نفع کدام طبقه یا طبقات اجتماعی به مبارزه برخاسته اند ، پس بی شک دو یا چند گروه از آنها که بواقع منافع اقشار و طبقات معینی را در جامعه نمایندگی میکنند ، با توجه به وجود منافع و خواستهای اجتماعی مشترک فیما بین آن اقشار و طبقات میتوانند مورد "مشخصات نظام سیاسی جایگزین" به توافق برسند .

و این امر نه فقط عملا غیر قابل حصول نیست بلکه اشتراک منافع معین بین اقشار و طبقات اجتماعی مشخص و ضرورت تأمین این منافع ، توافق نیروهای سیاسی مدافع آن اقشار و طبقات را بر روی "نظام سیاسی جایگزین" الزام آور میسازد . وانگهی این چگونه ممکن است که نیروهای سیاسی بعنوان نیروهای آگاه اقشار و طبقات

اجتماعی در مورد امر سرنگونی رژیم با یکدیگر متحد شوند ، بدون آنکه هدف "اثباتی" (*) این اتحاد برای آنان روشن و مشخص بوده باشد ، چرا که مبارزه برای سرنگونی رژیم هدف اثباتی نیست بلکه هدف اثباتی استقرار نظام سیاسی جایگزین میباشد که هر یک از نیروهای سیاسی تحقق خواستهای خویش را در استقرار آن نظام جستجو میکنند . ادامه دارد .

ب- البته اینکه راه کارگر این اصطلاح پرچم دار مبارزه با "مشی خدا از توده جریکی" هنوزم در سال ۶۶ از اعلام صریح هدف اثباتی گریزان است ، امر عجیبی نیست ؛ چرا که ایورتونیسیم ذاتی این سازمان حسارت این امر را به او نمیدهد که آنچه را که میخواهد صراحتا اعلام نماید . و تعجبی هم نخواهد داشت اگر مدتی دیگر با زهم راه کارگر به انتقاد از خود بپردازد که : " چرا موفقیت نسبی؟ زیرا نشریه "راه کارگر" در چارچوب مضمون فعالیت خود - که به تبلیغ محدود شده بود - لی لی میکرد و بندرت روی دو پا راه میرفت ، یعنی عمدتا به سیاست نفسی تکیه داشت تا اثبات ؛ و میکوشید تا نفی را اثبات کند : اثبات کند که حکومت خلقی نیست ، انقلابی نیست ، قادر به برآوردن اهداف انقلاب نیست ، ضدامپریالیست نیست ، ضد سرمایه نیست سعی

میکرد اثبات کند که برنامه این حکومت ، انقلابی نیست ، و نباید از آن حمایت کرد . اگر مردم انقلابی از نشریه ما میپرسیدند : حکومت خلقی و انقلابی چه مشخصاتی دارد ، کدام حکومت قادر است اهداف انقلاب را برآورد ، برای مبارزه با امپریالیسم چه باید کرد ، چرا باید ضدسلطه سرمایه بود که بتوان انقلابی بود ... و سرانجام ، از کدام برنامه و از کدام حکومت باید حمایت کرد؟ پاسخ روشن و کافی نمی یافتند ؛ اگر پاسخی بود ، نظری بود و گذری ، آنهم کلی و سر بسته ، تبلیغ اثباتی در نشریه به تناسبی نبود که جانشین آنچه را که نفی میکند عرضه دارد . [سازمان راه کارگر (کمیته خارج از کشور) ۱۹ آبان ۱۳۶۱] آیا وقت آن نرسیده است که راه کارگر از ایسن لی لی کودکانه دست برداشته و به بقیه پاورقی در صفحه بعد

لبنان و

از صفحه ۱۱

محل کمکهای مالی چیزی بین ۱۰ تا ۲۰ هزار لیره لبنانی است [که] دست کم سه برابر حداقل دستمزد در لبنان است. و بالاخره رژیم جمهوری اسلامی در لبنان به هر فردی که جذب سازمانهای حزب الله گردد ماهانه ۱۰۰ دلار بعنوان کمک خرج میپردازد. بطور کلی طبق گزارش خبرگزاری های مختلف خرسج حزب الله در حومه جنوبی بیروت بیش از ه میلیون دلار در ماه بر آورده شده است و جالب است بدانیم که بخشی از هزینه های فوق از طریق قاچاق حشیش که حزب الله به کثرت آن در ناحیه

ادامه یاورقی از صفحه قبل

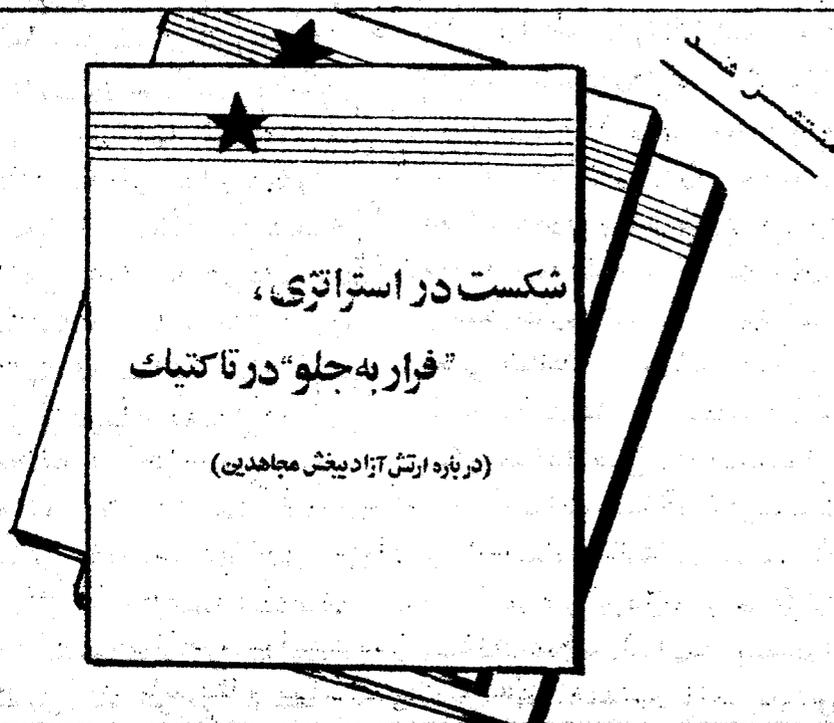
سیاست "اثبات" روی آورد و با صراحت اعلام کند که در این مرحله از "کدام حکومت بایست حمایت کرد"؟ این حکومت در واقع از نظر او جز یک دموکراسی بورژوازی چیز دیگری نمیباشد که با شعارهای کساد سوسیالیستی و انقلاب پیگیر و بی وقفه سعی در لاپوشانی واقعیت آن دارد. آیا برخورد های کثونی راه کارگر با ردیگر بروشنی واقعیت آن با صلاح انتقاد از خود را آشکار نمیسازد؟

بعلمک لبنان تحت حفاظت ارتش سوریه مبادرت کرده است. تامین میشود.

از آنچه گفته شد واضحست که رژیم فدخلقی و وابسته به امیرالیمم جمهوری اسلامی چگونه در لبنان در جهت اجرای سیاستهای امیرالیمستی با هزار حيله و نیرنگ سعی در لاپوشانی چهره خویش داشته و به هروسيله متوسل میشود تا جای بنای محکمی در لبنان در بین توده های ستمدیده و قهرمان برای خویش دست و پا نماید.

بر این اساس افشای چهره ریاکارانه جمهوری اسلامی در لبنان و توضیح سیاستی که جمهوری اسلامی به نیابت از امیرالیمم آمریکا در آن منطقه در دست اندر کار اجسوسرایی ان میباشد، یک وظیفه انقلابی

است و انقلابیون ایران باید بکوشند بهرطریقی که امکانپذیر است، ماهیت وابسته بسسه امیرالیمم و سیاستهای فدخلقی رژیم را در لبنان برای روشنفکران و توده های لبنانی و فلسطینی تشریح نمایند. این مهم از جمله از طریق ایجاد ارتباط با روشنفکران مبارز لبنانی و فلسطینی توسط رفقای مبارز در اروپا و امریکسا امکانپذیر است و آنها باید بکوشند بخصوص با کمک گرفتن از فاکت های عینی مربوط به رابطه تنگاتنگ رژیم جمهوری اسلامی با اسرائیل و همپیمانی ان دو، واقعیت دشمنی رژیم را با توده های تحت سلطه لبنانی و فلسطینی به آنها نشان دهند.



این روزها شهر مهاباد شاهد تحرک بی سابقه ماشین جنگ و سرکوب جمهوری اسلامی است. با کمترین دوزخ بگوری، از تلاشهای جنون آمیز سران جنایتکار رژیم برای شعله ور نگه داشتن آتش جنگ امپریالیستی ایران و عراق، مزدوران رنگارنگ جمهوری اسلامی در جهت شکار گمترده تر جوانان و فارت هر چه بیشتر توده های زحمتکش میهنمان وسیعاً به تکاپو افتاده اند. در همین رابطه پس از اعلام جهاد مالی و جانی و انتشار به اصطلاح فرمان ده ماده ای شورای عالی پشتیبانی جنگ، در مهاباد مزدوران رژیم سوار بر ماشینهای لندروی که جو روی آنها بلندگو نصب شده به عربده کشی در خیابانها پرداخته و ضمن خواندن ده ماده این فرمان ضد خلقی، مردم بیگناه مهاباد را برای شرکت در بسیج فوق و در نتیجه قربانی شدن در جبهه های جنگ رسماً تشویق و تهدید میکنند. جانبان ضد خلقی با تهدید اهالی شهر از آنها میخواهند که باید آنها را که توان برداشتن سلاح را دارند با معرفی خود به یکی از ارگانهای سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی به جبهه های بی بازگشت جنگ بروند و آنها را هم که در حال حاضر به هردلیلی مستقیماً در بر گرفتن سلاح و سلاخی شدن در راه اهداف جنگ طلبانه

گزارش کوتاهی از شهر مهاباد

امپریالیستها و مزدورانشان در منطقه را ندارند بایستد با پرداخت اندک دسترنج خود به مزدوران جمهوری اسلامی هزینه یک با اصطلاح رزمنده را تامین نمایند.

به موازات چنین کوششهای ردیلانه ای است که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی متشکل از زبده ترین مزدوران اطلاعات و سپاه و بسیج و کمیته ها و ژاندارمری و شهربانی وغیره شدیداً به تحرک افتاده و با یورشهای خود به معابر عمومی، خانه ها و ... گروه گروه جوانان و توده های زحمتکش را شکار کرده و بدون هیچ پرسشی از وضع آنها و اینکه آیا افراد دستگیر شده مشمول هستند یا نه؟ آنها را روانه مراکز سرکوب و سپس جبهه های جنگ مینمایند، جبهه هایی که توده ها در طول بیش از ۷ سال تداوم جنگ امپریالیستی بدرستی دریافته اند که کمتر امیدی به بازگشت از آنها وجود دارد.

بدین ترتیب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در این شکار وحشیانه خود تحت عنوان فرمان ده ماده ای حتی قوانین کثیف و ضد مردمی اش را نیز زیر پا گذاشته و نشان داده

است که برای او هیچ قانونی به جز پیشبرد سیاستهای اربابان امپریالیست اش مطرح نبوده و نیست.

در جریان شکار اخیر جوانان در شهر مهاباد کم نیستند کودکان و نوجوانان ۱۰ - ۱۲ ساله ای که اربشیت میزهای مدرسه و از آغوش خانواده بیرون کشیده شده و در حالیکه قامتشان حتی گاه از اندازه تفنگهای جمهوری اسلامی کوچکتر است مسلح شده و برای پیشبرد مقاصد تبهکارانه رژیم راهی میدانهای مین و جبهه های مرگ میگرددند و کم نیستند جوانانی که تنها با آور خانواده فقیرشان پیوسته ولی بنا گرفتار شدن بدسیت شکارچیان جمهوری اسلامی روانه جبهه میشوند تا از برکت سر رژیم و جنگی که تنها برای امپریالیستها و مزدورانش برکت دارد علاوه بر خودشان خانواده شان نیز تباه و نابود گردند، در رابطه با فشارهای اخیر رژیم برای بسیج نیرو در مهاباد نوجوانان ۱۴ ساله ای ضمن اعتراض باین امر میگفت: "متولدین سال ۱۳۴۸ تا افرادی که ۲۸ ساله هستند باید خدمت کنند ولی آنها اینروزها همه را میگیرند از کودکان تا پیرمردان سالخورده".

علاوه بر شکار مستقیم انسانها، مزدوران رژیم به

اشکال دیگری نیز در تلاشند تا توده‌های زحمتکش و به خصوص جوانان را شکار کرده و زوایح مراکز نظامی سازند، در همین راستاست که پاسدارانی گمنام در ارگانهای سرکوب و مقررات مستقر در محله‌های مختلف شهر مهاباد مشغول انجام وظایف ضد خلقی خود میباشند بنابر تبلیغات گمراه کننده و وسیع خود در بین جوانان و نوجوانان محلات شهر شدیداً در صدد اغفال و جذب آنها به سپاه و بسیج ضد خلقی میباشند.

آنها با شکردهای مختلف از جمله طرح دوستی ریختن سپاه جوانان محله، با پخش جنایات نامرئی سپاه و اوراق تبلیغاتی ای که مملو از شعارهای پوچ ضد امریکایی است و غیره میکوشند جوانان هر چه بیشتری را به خدمت ماشینی جنگ جمهوری اسلامی در آورند. در همین رابطه جوان ۱۸ ساله‌ای میگفت: آنها گاه در این کار موفق میشوند ولی اکثر جوانان که ماهیت این رژیم را میشناسند فریب کارهای آنها را نخورده و به هیچ وجه تن به دوستی با پاسدارها و بسیجی‌ها نمیدهند.

به موازات تشدید تلاشهای جنگ طلبانه رژیم و دستگیری و شکار انسانها، مقاومت در مقابل سیاست بسیج رژیم در مهاباد هر چه بیشتر فزونی یافته و جوانان هر چه بیشتری

از شهر خارج شده و به روستاهای دور دست و کوهستانها میروند و بخشی از آنها هم به مناطق پیشمرگان خلق کرد پیوسته و در جنگ انقلابی شرکت میکنند. البته این بخش از مردم عمدتاً شامل فقیرترین و زحمتکشترین اقشار جامعه هستند چرا که بسیاری از خانواده‌های مرفه با پرداخت رشوه و با استفاده از راه‌های گریزی که خود دستگاه فاسد و سرکوبگر حاکم بوجود آورده است به قبول اهالی شهر "خون جوانان خود را میخرند" ولی وضع در مورد اکثریت توده‌ها کاملاً متفاوت است، از آنجا که توده‌ها کوچکترین منافعی در ادامه جنگ ارتجاعی و خانمانسوز ایران و عراق ندارند. فرار و بخصوص فرارهای دسته جمعی به صورتی که از شایع‌ترین عکس العملهای مردم در مقابل دشمن رژیم مزدور درآمده است.

برای نمونه همین چند هفته پیش هنگامی که اتوبوسی از شهر مهاباد به همراهی چند مزدور مسلح مشغول حمل و انتقال مشمولین دستگیر شده از مهاباد به مراکز سرکوب در تهران بود مشمولین با استفاده از یک فرصت مناسب بطور دسته جمعی و طی یک نقشه از قبل طرح ریزی شده اتوبوس را متوقف کرده و مزدوران را خلع سلاح نموده و دست به فرار میزنند و سلاحهای مصیاداره

شده را نیز در نقطه‌ای دورتر پرتاب میکنند. این تنهاسا یک نمونه از موارد متعددیست که مقاومت توده‌ای در مقابل سیاست ارتجاعی بسیج نیروی رژیم و جنگ ضد خلقی اش میباشد. سالها از فرمان ده ماده‌ای تلاشهای مزدوران رژیم برای مکیدن شمع جان توده‌ها برای تحویل مطلوب کمپوز جنگ نیز شدت هر چه بیشتری بخود گرفته است. مزدوران به پرخشی دکانهای شهر مهاباد را تسخیر کرده و از آنها تقاضای مبلغ ۲۰ هزار تومان یا بقول خودشان مخارج یک رزمنده اسلام را مینمایند امری که باعث نارضایتی شدید اهالی شهر گردیده است. امروز مجموعه تمامی این فشارها از طرف رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به توده‌های ستمدیده شهر مهاباد به صورت یکی از عمده‌ترین مشکلات روزمره توده‌های زحمتکش این شهر درآمده است که بدون شک با توجه به مقاومتهای دلیرانه اهالی شهر مهاباد جمهوری اسلامی اینبار هم به اهداف ارتجاعی از قبل تعیین شده‌اش نخواهد رسید و این فشارها و سرکوبها تنها زمینه رشد و اعتلای هر چه بیشتر مبارزات توده‌ای را در میان توده‌های زحمتکش این شهر دامن خواهد زد.



اطلاعیه شماره یک

مجامع و نهادهای دموکراتیک، وجدانهای بیدار و آگاه، روشنفکران مترقی در شرایطی که رژیم ارتجاعی حاکم در ایران تنور جنگ خانمانسوز ایران و عراق را شعله ورتر می‌نماید و باعث بی‌خانمانی، آوارگی، آسارت و کشته شدن هزاران نفر از توده‌های محروم می‌گردد. در شرایطی که رژیم مزدور جمهوری اسلامی اعدام، زندان، شکنجه، فقر و بیکاری، سرکوب و کشتار توده‌ها را پیوسته افزایش می‌دهد و کارگران و زحمتکشان میهنمان تحت دشوارترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته‌اند، در شرایطی که خلق قهرمان کرده‌مچنان در مقابل یورش وحشیانه و ضد خلقی، عزیزترین فرزندان خویش را نشان می‌کند - سردمصداران رژیم اسلامی اینهمه فحایع را وقیحانه به مثابه "برکت" قیام برای توده‌ها قلمداد می‌کند. در شرایطی که ما شاهد آوارگی هزاران هزار نفر از هموطنانمان به سایر کشورها می‌باشیم. آوارگانی که برای بدر بردن جان سالم از جهنم موجود در ایران تمام مصائب و در بدریها را تحمل می‌نمایند و در این راه با مشکلاتی برخورد می‌نمایند که از شرایطی که در ایران با آن روبرو بوده‌اند سخت تر می‌نماید، در چنین شرایطی اداره پناهندگی سازمان ملل توانائی لازم و کافسی را جهت حل مسائل و مشکلات عدیده پناهندگان و آوارگان ایرانی به عمل نمی‌آورد و ماهر روزشاهد و خیمتر شدن مسائل مربوط به پناهندگان می‌باشیم.

لذا موارد زیر را جهت آگاهی افکار مترقی و آگاه منعکس می‌نماییم:

- عدم رسیدگی پیگیر به وضعیت پناهندگانی که ماهها در در بدری و انتظار بسر می‌برند.
- دهها نفر از آوارگان ایرانی از جمله ۴۵ نفر آواره که از شرایط دشوار اردوگاه‌های پناهندگی در عراق گریخته‌اند بدلائل متعددی به مشکلاتشان رسیدگی لازم نشده است و از تاخیر مداوم نوبتشان جهت مصاحبه‌ای که بعضا حتی به چندین دقیقه هم نمی‌انجامد، مسائل امنیتی و دشواریهای موجود دیگر از مصاحبه و غیره نتوانسته‌اند مسئله‌شان را حل نمایند. فشارهای موجود بر این عده از پناهندگان و آوارگان بقدری است که دست به خودکشی و خودسوزی ۸/۱۲/۸۷ و قفل و زنجیر کردن خویش بر درهای ورودی دفتر سازمان ملل نموده‌اند.
- ندادن فرصت لازم به این عده از هموطنان برای طرح مشکلاتشان به مسئولین مربوط.
- از آنجائی که اداره پناهندگی سازمان ملل صرفا سه روز در هفته، آنهم روزی دو ساعت به امور پناهندگان می‌پردازد، تراکم جمعیت بقدری است که بسیاری از پناهندگان و آوارگان برای گرفتن وقت ملاقات و حتی طرح کوچکترین مشکلاتشان مجبورند از ساعت ده شب قبل در هوای سرد و درخیا با نه‌ای مجاور دفتر سازمان ملل بسر برده تا فردا صبح موفق به گرفتن وقت مصاحبه گردند.

و مهمتر از موارد بالا اینکه در ماههای اخیر اداره پناهندگان سازمان ملل صحنه آشکارترین تبعیضات و حق کشیها در قبال پناهندگان جریانات انقلابی و مترقی و سایر پناهندگان غیر از مجاهدین گردیده است آنچه که عده‌ای از هواداران مجاهد در کوتاهترین مدت بدون آنکه مواجه با خطر جدی باشند از ترکیه اعزام می‌گردند و دیگر پناهندگان مدتهای طولانی بدون هیچ دلیلی در بلاتکلیفی بسر می‌برند. مترجمین با اصطلاح هوادار مجاهد پناهندگی گرفتن در پشت دفتر سازمان ملل صراحتا در این حق کشیها نقش دارند با رها رها اتفاق افتاده که پیرونده‌های پناهندگان مغفوبیا در کارها را عوامان اخلال ایجاد شده است.

ما از تمامی سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و نیروهای مترقی و آزادیخواه خواستار افشای هر چه وسیعتر این سیاست غیر دموکراتیک و حق کشیهای غیر عادلانه می‌باشیم.

"زندگی"... آوارگان در اسلام آباد

زندگی آوارگان در اسلام آباد گزارشی است از اوضاع پناهندگان ایرانی اواره در جنگلهای حاشیه این شهر. ما این گزارش را عینا از سومین پیام شورا ارگان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی - پاکستان در اینجا آورده ایم.

اخیرا توسط یکی از آوارگان ایرانی مطلع شدیم که تعدادی از آوارگان ایرانی در جنگلهای اسلام آباد زندگی دشواری را میگذرانند. این افراد بخاطر کمبود امکانات مالی نتوانسته‌اند حتی مسکن ارزانی تهیه کنند. از ایشرو ساکن جنگل شده‌اند. برخی از آنان منتظر پذیرش خود از طرف UN اسلام آباد میباشند، و برخی دیگر که پذیرفته شده‌اند، بخاطر بلا تکلیفی و ناچاری فعلا در جنگل بسر میبرند. البته تعدادی عراقی آواره نیز در کنار آوارگان ایرانی در جنگل زندگی میکنند، که وضعیتی بهتر از آوارگان ایرانی ندارند. دوست آواره‌مان که بنازگی از جنگل آمده اینچنین تعریف میکند. من برای ارائه درخواست پناهندگی به اسلام آباد دررفتم. بودم و پول زیادی هم نداشتم، فکر میکردم UN اسلام آباد

سریعا درخواست پناهندگی مرا مورد پذیرش قرار میدهد، ولی هنگامی که جلوی درب UN اسلام آباد رسیدم و با چند تن از پناهندگان و آوارگان ایرانی صحبت نمودم کسه سخت گیری UN اسلام آباد زیاد است و احتمال پذیرش درخواست پناهندگی نیز کم میباشند، اولین فکری که به ذهنم رسید این بود که با پول کم خود چگونه چندماه در اسلام آباد بمانم، تا جریان پناهندگی روشن شود؟ جریان خود را با سایر آوارگان و پناهندگان حاضر جلوی درب UN درمیان گذاشتم، آنها میگفتند میتوانی بروی در جنگل و با جنگلیها زندگی کنی و کسی را به من معرفی کردند که در جنگل زندگی میکرد. در ابتدا متعجب شدم و فکر کردم که مرا دست می اندازند، ولی طرز گفتار و شکل و قیافه آنان به هیچ وجه به کسانی که

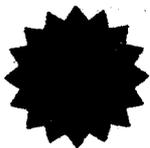
شوخی میکنند شبیه نبود. بسیار طبیعی و مانند کسانی که از یکا امر بسیار معمولی و توجیه شده حرف میزنند، رفتار مینمودند، بهرحال رفتار و برخورد آنان آنچنان جدی بود که من به هیچوجه جنبه‌ای از تمسخر در آن ندیدم از این رو از دوست جدیدم خواستم که مرا همراه خود به جنگل ببرد و او هم پس از طی مسافت کوتاهی مرا بسه بیرون از اسلام آباد در داخل جنگل برد. در جنگل با همان چیزی روبرو شدم که اول فکر میکردم شوخی‌ای بیش نیست، "آوارگان جنگلی" و ایمن واقعیتی بود تلخ و دردناک که من هرگز تصور نمیکردم آوارگی و تنگدستی ایرانیان آنها را به چنین زندگی سختی دچار کرده باشد و UN هم هیچ توجهی به وضعیت آنها از خود نشان ندهد.

زندگی آوارگان در جنگل بسیار ساده و ابتدائی بود، آنها از طریق بستن طناب به درختان برای خود تخت ساخته بودند، تا از شر رطوبت و گزندگان زمینی در امان باشند، و از سنگ و چوب هم اجاق ساخته بودند و غیره. دوست همراهم پس از معرفی من به دیگران روبه من کرد و گفت زندگی اینجا بسیار کم خرج است و ساکنان زیادی نمیخواهد، فقط باید

مبلغ ۱۵ روپیه برای درست کردن تخت، باید طناب و چند متر پلاستیک بخری چون اینجا زیاد باران میآید و اگر پلاستیک نداشته باشی زیر باران غیص میشوی، ضمناً یک مقدار پلاستیک برای پوشاندن وسایلت لازم داری، قابلمه و بشقاب هم مابسه اندازه کافی داریم پول خورد و خوراک راهم تقسیم میکنیم. بهر حال ناچار بودم بخاطر پول کم خود زندگی در جنگل را بپذیرم، تا تکلیفم در رابطه با UN مشخص بشود، جنگلیها از سختی های خود تعریف میکردند، یکی میگفت حدود یک سال است که از خانواده اش هیچگونه اطلاعی ندارد، دیگری از گرسنگی ها و پیاده رویهای طولانی اش در پاکستان سخن میگفت و از این دست حرفها بسیار بود، من پرسیدم پلیس با شما کار ندارد؟ آنها گفتند پلیس از آنجایی که میداند ما آواره ایم و UN هم مطلع است و از همه مهمتر چون میدانند ما پولی نداریم، به ما کاری ندارد. آنطرف تر از ماعراقیهای آواره مجتمع بودند که برخی از آنان با راهنمایی توریستها مقداری پول تهیه میکردند، و بعضاً خرج دیگران را هم میدادند، مناسبات ما با عراقیها دوستانه بود با آنکه کاری به کار یکدیگر نداشتیم،

بنظرم رسید در حالیکه دولتهای ایران و عراق بخاطر منافع خود با هم میجنگند، ملت های دو کشور میتوانند با هم دوست باشند و به جنگ تحمیلی دولتهای خود تن ندهند، بهر حال زندگی در جنگل هر چند سخت و طاقت فرسا بود و شبها سروصدای پرندگان و سایر حیوانات مانع از خوابیدن میشد، ولی رفته رفته بدان عادت میکردم، خلاصه بعد از چندین هفته توانستم وقت مصاحبه از UN بگیرم، در روز مصاحبه به UN رفتم و در اتاق مصاحبه از طرف مصاحبه گر به من گفته شد که چون یکبار در کراچی در مصاحبه شرکت کرده و رد شده ام آنها مرا نمیپذیرند. من هم به آنها گفتم "شاهکار کردید که فهمیده اید من دوباره در مصاحبه های UN شرکت کرده ام؟ اگر مدافع حقوق بشر هستید، بپرسید من یکسال بدون پول و امکانات چگونه زندگی کرده ام؟ اگر مدافع حقوق بشر هستید بیائید در جنگل و ببینید آوارگان چگونه زندگی میکنند، اگر هم ما را بشر نمیدانید، روی درب UN بنویسید که منظور ما از بشر بعضی از آدمهاست، و نه همه آنها، البته ملیت آنها را هم بنویسید و ذکر کنید که به سازمان شما مراجعه نکنند." خلاصه بعد از این حرفها از UN بیرون آمدم و به جنگل رفتم

و ما چرا را برای آوارگان جنگل شرح دادم، این مسائل برای آنان تازه گی نداشت، ولی با این حال با من احساس همدردی نمودند، من وسایل خود را برداشته و با دوستان خود در جنگل خدا حافظی کردم و با اندک پولی که داشتم راهی کراچی شدم. پیدایش مسائلی نظیر زندگی در جنگل در نظر اول شاید عجیب و حتی کمی هم تمسخر آمیز بنظر آید، ولی با نگاهی دقیقتر به جنایات دولتهای ارتجاعی و بی توجهی های UN HCR بر پذیرش آوارگان این امر ناگزیر و تاسف آور جلوه میکند. ما معتقدیم که پناهندگان و آوارگان میبایست با اعتراضات خود افکار بین المللی را متوجه وضعیت خود ساخته و بدین طریق UN را مجبور سازند توجه بیشتری را به پذیرش آوارگان میذول دارد، ما خواهان هیاتی از طرف UN H.C.R یا صلیب سرخ جهانی برای رسیدگی به وضع آوارگانی هستیم که اینگونه در جنگلهای اسلام آباد یا در موقعیتهای اسفبار دیگری در پاکستان بسر میبرند.



بخاطر
مرگ انکس
کس برای صلح
مبارزه میکرد.

نمونه ای از صدها فاجعه ای که در اثر
سلطه ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی هر روز در خارج از مرزهای ایران
به وقوع میپیوندد.

آنکه تسلیم نشد
ناجود شده است.
و آنکه، ناجود شد،
خود را تسلیم نکرده بود.
دهان همدار دهنده
پس از خاک شده
و ساجرای خونین،
آغاز.
پس مزار رفیق صلح
فوج سربازان بیای میگوید.

پس آیا مبارزه بیهوده بوده ؟

اما مبارزی که ناجود شد
به تنهایی نمی جنگید
و دشمن، هنوز
پیروز نشده است.

« خود مغز بیگ - جوان ایرانی در مقابل »
« دفتر مل محمد در کراچی »

در اعتراض به تیربارن شدن پناه گویان
هائری در قفس بزرگ بر روی قفس
در راه آتش کشید.

کراچی، یک جوان ایرانی در راه و در مقابل
مل محمد داسر پناه گویان در قفس بزرگ
و در قفس بزرگ در راه آتش کشید. همه نفس مبارزان
از آغوش منتظر شد. همه با هم دست بستند و
برده شد. بی از سربازان پناه گویان ایران صلح کراچی
گفت که هائی از یک سال پیش برای دریافت کارت
پناهندگی UNHCR، آتش کشید. اما با عدم پذیرش
نماهای دیگر قبل این وضعیت برای غیرت کشید
دست به خودی زد. بی با وجود آتش فشان دهنده
در قفس سوت. بر اساس گفته ستون، در حال حاضر حدود
۱۰ هزار ایرانی در راه در کراچی در راه آتش کشید
پناهنده پذیرفته شده اند. از سال ۱۹۸۲ اعلام خبر

۵ سال تل هارنر بعد پناهنده پذیرفته شده اند که در دفتر
مدون، قهرمان قفس درک ایران و واطام حدود بیست نفره می کنند.
سخت گرفت که از سال ۱۹۸۲ در راه های غیر در راه پذیرفته شده اند که ساله حدود ۱۰ نفر
بکشورهای دیگر منتقل می شود.

ترجمه و تکثیر:

شیرای پناه گویان و آذربایجان ایرانی در کراچی - پاکستان ۲۶-۱۱-۱۹۸۶

پر توتلت پرشت



جنگجویان
ABC CERTIFIED
TUESDAY, NOVEMBER 24, 1987
The Jangjooan
جنگجویان

x دولت ارتجاعی فرانسه در بی معامله با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ۱۷ پناهنده سیاسی را به کشور گسیل در آفریقا اخراج نمود. از ۱۷ نفر فوق ۲ نفر کرد ترکیه ای و بقیه ایرانی و اکثراً از هواداران سازمان مجاهدین میباشند. پناهندگان اخراجی در اعتراض به این اقدام وحشیانه اعتماد غذا کرده و خواهان بازگشت به فرانسه

گردیدند.

در حمایت از اعتصاب غذای پناهندگان اخراجی و اعتراض به معامله کثیف دولت فرانسه با جمهوری اسلامی اعضای خانواده پناهندگان اخراجی در فرانسه وعده ای از هواداران مجاهدین در انگلستان و امریکا دست به اعتصاب غذا زدند. در اعتراض به معامله سنگین دولت فرانسه با جمهوری

اسلامی و اخراج وحشیانه پناهندگان سیاسی کمیته ای در فرانسه بنام "کمیته دفاع از حقوق پناهندگان" تشکیل گردید که ضمن حمایت از اعتصاب غذای پناهندگان اخراجی و خانواده ها و بستگان آنها در جهت اعتراض به این اقدام ضددمکراتیک و وحشیانه چند حرکت افشاگرانه را سازمان داد.

"کمیته دفاع از حقوق پناهندگان" بنظر اعتراضی علیه تجاوز دولت فرانسه به حقوق

اجتماعی - بین المللی (حقوق بشریست شناخته شده توسط کنوانسیون ژنو) تشکیل شده است. این کمیته از عناصری باگرایش های مختلف سیاسی - ایدئولوژیک، با یا بدون تعلقات شکلیاتی، تشکیل گرفته است. شرکت در این کمیته خریدی است و کمیته می تواند در برگزیده ایرانیان و همه پناهندگان (به استثناء نیروها و عناصری که با رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران و همچنین با رژیم سلطنتی همکاری ملی در سرکوب دموکراسی داشته اند) باشد. کمیته دفاع از حقوق پناهندگان "از حقوق تمامی پناهندگان صرف نظر از ملیت و اگرایش سیاسی - ایدئولوژیک آنها دفاع میکند."

اهداف کمیته بشرح زیر است:

- ۱- ماهرگونه تقاضای حقوق دموکراتیک و بین المللی پناهندگان متدرج در کنوانسیون ژنو و بیابیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی فرانسه (آزادی بیان، آزادی شکل و اجتهادات و...) را شدیداً محکوم کرده و خواستار رسیدگی و پاسخگویی از طرف مقامات مسئول هستیم.
- ۲- ما خواهان بازگشت فوری پناهندگانی هستیم که بدنیال معامله دولت فرانسه با رژیم تروریستی حاکم بر ایران اخراج شده اند.

۳- هرگونه تبدیل پناهندگان به کروگان، در تبادلات سیاسی واقعی ضد بشری دانسته و محکوم می کنیم.

"کمیته دفاع از حقوق پناهندگان"



مارکسیسم و انقلاب

نامه انگلیس

به ایزابت انگلس در انگلس کیرشن

لندن ۲۱ اکتبر ۱۸۷۱

مادر عزیز

اگر مدت مدیدی است که برایت نامه ننوشته‌ام از آن جهت بود که آرزو میکردم راجع به آخرین تذکراتی که در مورد فعالیت‌های سیاسی داده بودی، بنحوی جواب بدهم که ترا جزیمه دار نکند. و وقتی من مرتباً دروغهای بیشمارانسه "روزنامه کلن" مخصوصاً ردالت‌های واخن هوزن رجالسه را میخواندم، وقتی میدیدم همان افرادی که در اثنای جنگ در تمام جراید فرانسوی فقط دروغها را میخواندند، چگونه اکنون هرنوع جعلیات پلیس، هرنوع تهمت‌های مزدورترین جراید تنگبین پاریس بر ضد کمون را بعنوان وحی منزل در آلمان اشاعه میدهند، در حالت روحی ای سر میبردم که برای اینکار [نوشتن نامه] چندان مساعد نبود. در باره چندگروگانسی

که طبق نمونه پروسی تیرباران شده بودند، در باره چند کاخی که به سگ رویدادهای پروسی به آتش کشیده شده بودند، شیون بزرگی بسراه انداخته اند - زیرا همه مطالب دیگر دروغست - اما از ۴۰۰۰۰ مرد، زن و کودکی که ورسای بغداد زلع سلاح [مردم] بضراب گلوله از پا در آورد، در این باره هیچ کس حرفی نمیزند! در این میان شما نمیتوانید از موضوعات باخبر

* - جامعه عقیفان: یک انجمن وطن پرست بود که در آوریل ۱۸۵۸ - بعد از قرارداد صلح تیلست در کونیسبرگ بنیانگذاری شد. در این انجمن، نمایندگان اشراف لیبرال و روشنفکران بورژوا گردهم آمدند. هدف این انجمن تبلیغ برای یک جنگ زها تبیخش بر علیه ناپلئون و

۷ آذر (۲۸ نوامبر ۱۸۷۰)
مدوشت و هفتمین سالروز تولد فردریک انگلس بنیانگذار کمونیسم کیرامی بساد!

باشید، شما مجبورید "روزنامه کلن" و "روزنامه البرفلد" را بخوانید و دروغها رسماً بشما قالب میشوند. تودر طول زندگیت شاهد آن بوده‌ای که به بعضی افراد نسبت آدمخواران واقعی داده شده است - از جمله اعضای جامعه عقیفان (*) تحت

پشتیبانی از فرمهای لیبرالی مبتذل در پروس بود. در ۳۱ دسامبر ۱۸۵۹ بر اثر پافشاری ناپلئون اول، همچنان به موجودیت و فعالیت خود ادامه داد ولی بعد از شکست ناپلئون اول، ارتجاع پروس احزاب این انجمن را به عنوان دما گوکها عوامفشیان تحت تعقیب قرار داد.

رژیم ناپلئون قدیم [ناپلئون اول] ، دماغوگهای ۱۸۱۷ و ۱۸۲۱ و همچنین افراد ۱۸۴۸ - ولی همیشه بعدا معلوم شد که آنها بدانگونه نبودند . و کینه تیزی ای که نفعی [در این ماجرا] داشت ، ابتدا تمام داستانهای وحشت انگیزی را - که بی اساس بودنشان معلوم شد - به آنها نسبت داده بود . مادر عزیز امیدوارم که تو این چیزها را بخاطر بیاوری و وقتی این جنایات خیالی را در روزنامه میخوانی ، این موضوع را به افراد ۱۸۷۱ نیز تعمیم بدهی .

اینکه در نظریاتم - که از تقریبا سی سال پیش تا کنون دارم - تغییر نداشته ام ، اینرا میدانستی و نباید برای تو غیرمنتظره باشد که من بمجرد آنکه جریانات ایجاب کنند ، نه تنها از آنها دفاع خواهم کرد بلکه دین خود را نیز انجام خواهم داد . اگر من چنین نمیکردم تو میبایستی خجالت میکشیدی ، اگر مارکس در اینجا نبود و یا اگر اصلا [مارکسی] وجود نداشت باز هم هیچ تغییری در قضیه داده نمیشد . بنا براین بسیار غیرعادلانه است که موضوع به گردن او انداخته شود . بدیهی است که من بخاطر دارم که سابقا بستگان مارکس ادعا میکردند که من او را فاسد کرده ام . .

خوب کافی است . تغییری نمیتوان در موضوع داد و باید با آن ساخت . وقتی مدتی بسکوت بگذرد آنوقت جبار و جنجال خود بخود از بین خواهد رفت و خود تو آرامتر بموضوع خواهی نگریست .

فریدریش تو

به امیل بلانک میتوانی بگویی که مارکس به پول من احتیاج ندارد . ولی اگر من میخواستم امیل بلانک را در مورد پولهایی که خرج میکنند نصیحت نمایم میل داشتم قیافه همین امیل بلانک را تماشا کنم [امیل بلانک شوهر خواهر انگلس بوده است] .

کتاب "جنگ داخلی در فرانسه - کمون پاریس" در سال ۱۳۵۶ بوسیله انتشارات سیاه کسل منتشر گردید . مقاله فوق عینا از همین کتاب انتخاب گردیده است .

۱۶ آذر فرآزی ۰۰۰۰۰

ارمفحه

به مشابه جزایرتجزای جنبش انقلابی خلق وظایف سیاسی سنگینی را بر عهده دارند جوانان ما باید برغم تمام سی تمهیدات سرکوبگرانه رژیم همچنان به دانشگاه به عنوان یک عرصه کار و فعالیت انقلابی بنگرند و بر این اساس بایست بکوشند که با گذشتن از تمامی موانع به دانشگاههای جمهوری اسلامی راه بیاهند . دانشجویان مبارز باید با سمت دهی خشم و نفرت موجود در توده های دانشجو و با سازماندهی بتائیل انقلابی موجود در بین دانشجویان انقلابی به تبعیح از مبارزه جبری در کل جامعه ، در جنگ سرگونی رژیم ضد خلقی حاکم فعالانه شرکت کرده و از دانشگاه همچنان بعنوان سنگری

برای رشد جنبش و تقویت انقلاب پاسداری کنند . مودر همان حال دانشجویان ما باید ضمن کوشش در بالا بردن آگاهی انقلابی خود بر علیه تمامیت توانین و مقررات ارتجاعی حاکم بر محیط دانشگاهها به مبارزه برخاسته و با همیاری دیگر دانشجویان مبارز بکوشند تا فعالیتهای انقلابی خود را هرچه متشکل تر پیش ببرند . این آزمائی است که خون شریعت رضوی ، قنفچی و بزرگ نیا و مدعا دانشجوی شهید دیگر در راه ان به زمین ریخته شده و بدون شك دور نیست روزی که با رشد و تعمیق جنبش مسلحانه انقلابی این ارمغان با شکوه تمام تحقق یابد .



گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

درباره روابط جمهوری اسلامی

با امپریالیسم فرانسه

۶۶/۹/۲۸

اختلافات و کشمکشهایی که

از پنج ماه پیش در روابط دیپلماتیک بین فرانسه و ایران بوجود آمده بود، بالاخره طی بندوبست‌های پنهانی فیما بین نمایندگان جمهوری اسلامی و جناح راست حاکم در فرانسه در مسیر حل و فصل قرار گرفت.

این کشمکشها و یا بغیر از دیگر "جنگ سفارتخانه‌ها" هنگامی آغاز شد که در شرایط بسیج افکار عمومی مردم فرانسه بر علیه عاملین بمب‌گذاران در اماکن عمومی و محلهای پررفت و آمد پاریس، معلوم شد که عامل و ترتیب‌دهنده اصلی بمب‌گذاریهای فوق‌الذکر، وحیدگرچی یکی از وابستگان به سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه میباشد.

با آشکار گشتن این موضوع مطابق قانون وحیدگرچی میبایست توسط پلیس فرانسه دستگیر و در دادگاه حاضر شده و مورد بازجویی قرار بگیرد ولی این امری نبود که وابستگان بینه رژیم جمهوری اسلامی در فرانسه و از جمله وحیدگرچی بیه آن

کردستان سنگربا پایداری مقاومت بر علیه

جمهوری اسلامی

۶۶/۹/۳۰

سالهاست که خلق کرد

برای رسیدن به آزادی و تعیین سرنوشت خود سلاح برگرفته و درگیر جنگی تمام عیار با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است. رژیمی که در این سالها به روشنی ثابت کرده است که به منظور اعمال سلطه منحوس اش در کردستان از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده و نخواهد کرد.

اگر پاسخ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی به مبارزه عادلانه خلق کرد بنابه ماهیت طبقاتی اش توسل به سرکوب و وحشیانه توده‌های ستمدیده در کردستان بوده است، اما خلق کرد نیز علی‌رغم ضعفهای برجسته سازمانهای عمده سیاسی اش در این سالهای طولانی با مقاومت خونین خود و تداوم بخشیدن به مبارزه مسلحانه بر علیه جمهوری اسلامی آشکار ساخته است که تا رسیدن به خواستههای برحق خویش از پای نخواهد نشست و کردستان را سرانجام بیه

در صفحه ۲۰

مزدوری جمهوری اسلامی از لابلای

چند گزارش خبری

۶۶/۹/۳۰

کمیسیون که در یکسال پیش به منظور تحقیق در چگونگی ماجرای "ایران گیت" در آمریکا تشکیل شده بود، اخیراً طی گزارشی آشکار نموده است که تاریخ رابطه سران مزدور جمهوری اسلامی با ریگان و دارودسته اش به قبل از روی کار آمدن ریگان بر میگردد.

گزارش کمیسیون "ایران گیت" نشان میدهد که علیرغم تمام تلاشهای مذبحانسه امپریالیستها و مزدوران جیره خوارشان در کتمان واقعیت سرسپردگی رژیم فاسد جمهوری اسلامی به امپریالیسم امریکاه شدت یابی تضادهای جناحهای درون هیات حاکمه امریکا مانع از لاپوشانی این حقیقتات میباشد و هر روز فاکت جدیدی در اثبات رابطه سردمداران به اصطلاح ضد امریکائی رژیم، با امپریالیستهای امریکائی بدست میآید و در این میان کار میلفین و تحلیل گران خادم امپریالیستها که با تبلیغات مسموم و اشاعه‌ایده‌های غیر

در صفحه ۳۱

تن دهند و لذا علیرغم آنکه به طور رسمی وحید گرجی به دادگاه فرانسه احضار شده بوده نامبرده از این امر سر باز زد، و تلاشهای عاجزانه مزدوران جمهوری اسلامی نیز که سعی داشتند برغورداری وحید گرجی از مصونیت سیاسی را بلیلی برای امتناع او از حضور در دادگاه جا بزنند، بی نتیجه ماند چرا که معلوم گردید وحید گرجی که ظاهراً بعنوان مترجم در سفارت ایران در فرانسه انجام وظیفه مینمود و با این پوشش به رتق و فتق امور تروریستی میپرداخته است دارای مصونیت سیاسی نمیشد. در هر حال وحید گرجی در سفارت ایران در فرانسه پناه گرفت و این امر باعث محاصره سفارت از طرف پلیس فرانسه شد. در عکس العمل به این موضوع جمهوری اسلامی نیز به شیوه خود وارد عمل شد. ژان پل توری کنسول سفارت فرانسه در ایران دستگیر و سفارت فرانسه در تهران به محاصره درآمد.

به این ترتیب "جنگ سفارتخانه‌ها" عنوان با مسامتی شد که خبرگزاریهای امپریالیستی به روابط ایران و فرانسه که بخشا بخاطر تروریسم جمهوری اسلامی در فرانسه و اعمال جنایتکارانه وحید گرجی تیسره گردیده بود اطلاق کردند.

آشکار شدن نقش وحید گرجی در بمب‌گذاریهای مذکور، همراه با افشاء روابط پنهانی او با

مخالف دست راستی فرانسه بود و مطالب منتشر شده از جمله مطلبی که روزنامه لوموند در مورد پرداخت رشوه ۱۲۰ هزار فرانکی وحید گرجی به یک موسسه انتشاراتی فاشیست در فرانسه منتشر ساخت، در حالیکه عمق ردالت سردمداران سرسپرده رژیم را نشان میداد، بیانگر ابعاد عملکردهای توطئه آمیز آنان بود.

از طرف دیگر این روابط معرفت سوء استفاده‌های بسیار مخالف دست راستی نیز بود. علاوه بر تمام فوایدی که از همکاری با تروریستهای جمهوری اسلامی نصیب دست راستی‌های فرانسه میگردد، در رابطه با بمب‌گذاری در اماکن عمومی پاریس که خشم وانزجار شدید مردم را بر علیه عوامل بمب‌گذار برانگیخته بود، جناح راست حاکم در فرانسه به نمایندگی ژاک شیراک از این موضوع استفاده‌های زیادی برد. از جمله بمب‌گذاری دست دولت را در اعمال کنترل شدیدی پلیسی بر مردم و بخصوص ساکین غیرفرانسوی به بهانه پیگرد جهت یافتن عاملین انفجارها بازگذاشت و دولت شیراک کوشید با ایجاد فضای تبلیغاتی بر علیه مهاجرین و پناهندگانی که با دلیل جنگ و بیکاری و فشارهای مختلف و یا به دلایل مبارزاتی از موطن خود آواره گشته و مقیم فرانسه میباشند، افکار عمومی را بر علیه آنان

بسیج نماید. پس از آشکار شدن نقش جنایتکارانه جمهوری اسلامی در انفجارهای فرانسه و محاصره سفارتخانه‌ها در ۵ ماه اخیر تلاشهای زیادی برای حل این معضل از طرف هیئت حاکمه فرانسه به عمل آمد. ولی تضادهای موجود بین جناحهای مختلف درون حکومت فرانسه که بر زمینه بحران اقتصادی فراینبوده امپریالیسم فرانسه از حدت و شدت زیادی نیز برخوردار است، حل نهائی مسئله را در کوتاه مدت غیرممکن ساخت، در حالیکه تضادهای موجود در درون رژیم جمهوری اسلامی و تضاد کلی تر جمهوری اسلامی با امپریالیسم فرانسه که انعکاسی از تضاد بین امپریالیستهای امریکائی با امپریالیستهای فرانسوی در سطح جهان میباشد نیز مطرح بودند.

تا آنجا که به لحاظ انعکاس بیرونی مسائل در کلیت رابطه جمهوری اسلامی با فرانسه مطرح میباشد سه مورد وجود دارد که جمهوری اسلامی بدانها تمسک میجوید. موضوع صدور اسلحه از جانب فرانسه به عراق، مسئله وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه و موضوع وجود اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی در فرانسه. این سه موضوعات نیز بدون شک میبایست در جریان حل و فصل ماجرای وحید گرجی و "جنگ

سفارتخانه‌ها" مورد بررسی و توافق قرار بگیرند.

به هرحال "جنسک سفارتخانه‌ها" در توافق بین دولت دست راستی شیراک با سردمداران وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی پایان یافت. راستهای فرانسوی وحید گرجی تروریست نامدار را با وقاحت تمام از چنگ دادگاهی که قرار بود وی را مورد محاکمه قرار دهد، رها نیندند و عازم ایران ساختند و جمهوری اسلامی نیز به محاصره سفارت فرانسه در تهران خاتمه داد و ژان پل توری کنسول سفارت فرانسه نیز به کشورش باز گشت. آزادی دو گروهان فرانسوی در لبنان و قول آزادی ۳ گروهان دیگر هدیه‌ای بود که جمهوری اسلامی در جهت تقویت موضع دست راستی‌های فرانسه در قبال با اصطلاح "سوسیالیست‌ها" و جناحهای رقیب دیگر در انتخابات قریب الوقوع آینده به شیراک و دارو دست‌اش تقدیم نمود. در مورد توافقات اخیر و روزنامه‌های تایمز و

این دین دنت Times independent

مطالبی مبنی بر اینکه فرانسه قطعات قایقهای توپدار را اختیار ایران میگذارد. و یا اینکه علاوه بر توافق صدور اسلحه از طرف فرانسه به ایران پول زیادی نیز بخاطر گروهانهای لبنانی از طرف فرانسه

پرداخت شده منتشر ساختند که مورد تکذیب دولت فرانسه قرار گرفت.

با این حال آنچه واضح است این است که ابعاد بدوست و معامله جمهوری اسلامی با دولت دست راستی شیراک بسیار بیشتر از مسائلی که در موردشان صحبت میشود بوده است و بالطبع در آینده کم و بیش آشکار خواهد گردید. ولی تا آنجا که به سه موضوع اعلان شده فوق الذکر بر میگردد در مورد اول یعنی موضوع ارسال اسلحه از جانب فرانسه به عراق علی‌رغم تمام اهمیتی که این موضوع ظاهراً میبایست برای جمهوری اسلامی دارا باشد، این موضوع گریه ایجاد نکرد و دولت فرانسه نیز رسماً اعلام نمود که نزدیکی فرانسه به جمهوری اسلامی تغییری در سیاستهای فرانسه نسبت به عراق بوجود نخواهد آورد.

در مورد موضوع دوم یعنی بازپس دادن وام یک میلیارد دلاری که ۳۳۰ میلیون دلار آن قبلاً پرداخت شده است و اولاً باید دانست که در شرایطی که روابط اقتصادی غارتگرانه پیشین در دوران شاه در حال حاضر نیز کماکان با امپریالیستهای فرانسوی برقرار است و معاملات تسلیحاتی نیز نظیر آنچه که اخیراً در مبارزات بین جناحهای مخالف در هیات حاکمه فرانسه در رابطه با شرکت لوشر افشاء شد، بطور مستمر

در جریان میباشد، حل و فصل مسئله‌ای نظیر وام یک میلیارد دلاری نمیتوانست دشواری چندانی در پی داشته باشد و در هرحال در توافق اخیر قرار بر این است که باقیمانده مبلغ وام از طرف فرانسه پرداخت شود و این امر با توجه به اینکه در یکسال اخیر آموزش هر دلار از ۱۰ فرانک به کمتر از ۶ فرانک تنزل یافته است، خود بسیار منفعتی است که فرانسه از پرداخت بدهی خود در این شرایط میبرد. در مورد سوم یعنی موضوع نیروهای اپوزیسیون در خاک فرانسه رفتار وحشیانه دولت شیراک با این نیروها در فردای امضای توافق نشان داد که چه معامله بیشتر مانده‌ای بین طرفین انجام شده است. اگر وحید گرجی بعنوان یک تروریست واقعی در راس گروهی بمبگذار که هر روز باعث فاجعه‌ای دردناک در فرانسه بود و مدت‌ها هرگونه آسایش و امنیت را از مردم فرانسه سلب نموده بود، بدون هیچگونه عقوبتی با حمایت دولت شیراک رهسپار ایران شد، در عوض پناهندگان ایرانی مخالف رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از طرف این دولت مورد هجوم قرار گرفته و ۱۷ نفر از پناهندگان ایرانی و ترک در فرانسه که اکثراً هواداران مجاهدین و دارای پناهندگی سیاسی بودند شب

هنگام بطور کاملاً وحشیانه‌ای بازداشت و به کشور افریقائی گابن تبعید گردیدند و یکبار دیگر آشکار شد که امپریالیستها در جهت تامین منافع خود حتی آشکارا قوانینی را که ظاهراً خود را پای بند به آن نشان میدهند، لگدمال میکنند. اقدام دولت دست راستی شیراک در اخراج ۱۷ پناهنده سیاسی که ۱۴ نفر از آنان ایرانی میباشند بمفهوم زیرپا گذاشتن قوانین بین المللی حقوق پناهندگی مصوب کنوانسیون ژنو میباشد که حتی در چارچوب حقوق مورد قبول سرمایه داری ننگ بزرگی برای دولت فرانسه محسوب میشود. ولی تمسول چنین ننگی برای دولت شیراک بدون شک در ازای امتیازات بزرگی بوده است که جمهوری اسلامی در اختیار آنان گذاشته است.

با اینس حال دست ایدرکاران فرانسه در برخورد ننگ آلود خود نسبت به پناهندگان ایرانی در فرانسه و در بذل و بخششهای خود از کیسه خلیفه یک موضوع را از نظر دور داشته بودند و آن مقاومت و مبارزه در مقابل اقدام وحشیانه مذکور یعنی تبعید پناهندگان از فرانسه بود، امری که باتوجه به موردی که در رابطه با مسئله اخبار آقای رجوی از فرانسه بوجود آمده بود و عدم مقاومت و عدم

برخورد مبارزه جویانه مجاهدین در آن مورد، امر غیرمنتظره‌ای بود. البته در آن زمان مسعود رجوی قانوناً از فرانسه اخراج نشد بلکه بواقع این خود او بود که در مقابل خواست ارتجاعی دولت فرانسه عقب نشست و بدون هیچگونه مبارزه و مقاومتی در مقابل آن خواست، فرانسه را ترک نمود.

اگر در آن شرایط مجاهدین میخواستند و در معادلات و حسابها و حسابگریهای خود میتوانستند به نفع نیروهای انقلابی و مترقی که خواهان مبارزه و مقاومت مجاهدین در مقابل خواست ارتجاعی و غیر قانونی دولت فرانسه مبنی بر خروج رهبری مجاهدین از فرانسه بودند، موضع بگیرند؛ بدون شک دست دولت شیراک امروز در برخورد آنچنانی اش به پناهندگان ایرانی اینچنین باز نبود و جاده برای اقدامات اخیر شیراک اینقدر

بدیهی است که در این اعتراضات نیروهای "چپ" شرکت دارند. معلوم میشود که علیرغم همه حملاتی که آقای رجوی به "کمونیستها" نسبت میدهد (جنبه "نامتحد ارتجاع" جنبهای مرتجع و غیره) انسان جایی که پای یک دفاع اصولی از مجاهدین در مقابل دولت فرانسه و رژیم مزدور جمهوری

هموار نمیگشت. اما روزنیروهای مترقی و پناهندگان ایرانی در فرانسه و در کشورهای اروپائی دیگر به اقدام وحشیانه دولت دست راستی فرانسه در تبعید تعدادی از پناهندگان ایرانی به کشور افریقائی گابن دست بسته اعتراض گسترده‌ای زده اند (م) خانواده‌های مجاهدین تبعید شده اعتصاب غذا نموده و نیروهای دیگر به اشکال مختلف به مبارزه دست زده اند. ما ضمن حمایت از همه این اقدامات مبارزه جویانه و ضمن محکوم ساختن اقدام وحشیانه اخیر دولت فرانسه که منجر به تبعید پناهندگان ایرانی و ترک به گابن گردید به رژیم جمهوری اسلامی یادآور میشویم که علیرغم تمام معاملات ننگین که به قیمت غارت توده‌های ستمدیده ما با امپریالیستها انجام

اسلامی در میان است با قبول همه ضعفها و نواقصی که ممکن است مجاهدین برای این دفاع بشمارند به این کار اقدام نموده اند. بدون شک اگر رجوی نیز در انزمنان بجای تسلیم به خواست دولت شیراک از ترک فرانسه سر باز میزد، باز "چپها" به دفاع از این امر میپرداختند.

کردستان سنگر پایدار مقاومت برعلیه جمهوری اسلامی

از صفحه ۲۶

گورستان همه دشمنان آزادی تبدیل خواهد نمود و به همین دلیل هم هست که با اینکه سالها از استقرار سردمداران مزدور رژیم براریکه قدرت میگذرد اما کردستان هنوز هم به مثابه یکی از معضلات جمهوری اسلامی باقی مانده و در هر مناسبتی سردمداران دزد و جنایتکار این رژیم مزدور مجبور به اعتراف به این واقعیت میگردند.

برای نمونه میزدوری بنام حجت السلام مقتدای سنجکوی شورای عالی قضائی طی سخنانی در مجمع همپالکیهایش در سنندج که در کیهان سوم آذرماه درج گردیده است ضمن اشاره به حرکات سازمانهای سیاسی در "گوشه و کنسار"

میدهد و علیرغم رشوههای کلان و سوء استفادههایی که از اموال مردم ایران نصیب ازبایان خود میکند، نخواهد توانست جز بعنوان یک رژیم تروریست و جنایتکار در بین افکار عمومی جهان معرفی شود. چرا که در همه جای دنیا، هرجا که نیروهای مترقی ایرانی حضور داشته باشند، افشاءگر چهره کثیف او خواهند بود.

کردستان اعلام نمود که: در نزدیکیترین زمان ممکن، آخرین تلاشهای آنها را [منظور پیشمرگان خلق کرد میباشد] قطع خواهیم کرد و با پاکسازی کامل منطقه انتقام شهدار را از آنان خواهیم گرفت.

بله سردمداران جنایتکار رژیم که بیش از ۸ سال است به هروسیلهای در جهت سرکوب جنبش عادلانه خلق کرد متوسل شده اند با همه قساوتها و شقاوتها فی که در حق این خلق مبارز بکار برده اند باز هم نتوانسته اند جنبش این خلق را نابود سازند و حتی اعلام جهاد کذائی شان برعلیه خلق کرد جز ننگ و رسوائی نتیجهای به بار نیاورد، حال در اوج ننگ و زبونی دم از نابودی جنبش خلق کرد در نزدیکیترین زمان ممکن میزنند تا به این وسیله به خیال خام شان به مزدوران شان روحیه بدهند. مزدورانی که سالهاست در تبلیغات جمهوری اسلامی از پیروزی قریب الوقوع سخن میشوند و در عمل شاهد تداوم مبارزه مسلحانه خلق کرد و ضربات پی در پی پیشمرگان قهرمانش میباشند؛ و به همین دلیل هم هست که دیگر باوری به اراجیسف مزدورانی چون مقتدای هلا نداشته و هرچه که میگردد روحیه شان در مقابله با جنبش

خلق کرد ضعیف و ضعیف تر میگردد. حال بگذار مزدورانی چون مقتدای از "انتقام" سخن بگویند و برای خلق کرد و فرزندان دلیر پیشمرگش خط و نشان بکشند.

در همین جلسه استنادار جنایتکار کردستان در چهار جوب تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی نسبت به جنبش خلق کرد و نقش سازمانهای سیاسی در کردستان، میگوید: "نظام جمهوری اسلامی در مقابله با گروهکها بجای تتر سرکوب یا سازش، صنف مردم کردستان را از صف ضد انقلابیون جدا کرد و به سرکوب گروهکها پرداخت." این مزدور در ادامه سخنانش میگوید: "عامل هویت مذهبی مردم کردستان باعث هفتاد این مردم به جمهوری اسلامی و طرد گروهکها توسط خود مردم با همیاری رزمندگان اسلام شده." جمهوری اسلامی مدتهاست که در تبلیغات خود میکوشد چنین جلوه دهد که در برخورد با جنبش خلق کرد نه به سازش متوسل گردیده و نه به سرکوب و صرفا با جدائی انداختن بین توده ها و پیشمرگان و در نتیجه عدم حمایت توده ها از پیشمرگان توانسته است کردستان را به زیر کنترل جهنمی خود درآورد.

مزدوری جمهوری اسلامی از لابلای چند گزارش خبری

سردمداران فاسد این رژیم را در خدمتگزاری به امپریالیسم هرچه بیشتر برملا میسازد. برای نمونه یکی از مامورین سازمان جاسوسی آمریکا بنام کی دجورج که مسئول امور داخلی CIA میباشد اعلام نموده است که در سالهای ۸۱ - ۱۹۷۹ میلادی (یعنی حدود سالهای ۶۰ - ۵۸ شمسی) قربانی فر (یعنی همان کسی که در معاملات اسلحه از آمریکا و اسرائیل و ارسال آنها به ایران نقش برجسته ای داشته و نامش در ماجرای ایران گیت فاش گردید) از طرف CIA رابط آمریکا با سردمداران جمهوری اسلامی بوده است. وی متذکر گردیده که قربانی فر از طرف CIA ماموریت ارتباطی سران رژیم در باره چگونگی آزادی گروگانهای آمریکایی (همانهایی که در باصطلاح تسخیر نمایشی لانه جاسوسی آمریکا گرفته شده بودند) را داشته است.

همه بیاد دارند که در آن سالها در شرایط تشدید رقابت جناحهای امپریالیستی در هیات حاکمه آمریکا بر سر انتخابات ریاست جمهوری تأخیر در آزادی گروگانها پوئنی بود که بدان وسیله سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به نفع ریگان در صفحه ۲۸

از صفحه ۲۶

واقعی سعی در انحراف افکار عمومی دارند با دشواری هرچه بیشتری مواجه میشود.

اگر واقعیت ماجرای "ایران گیت" بر ادعای مهمل مزدوران رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر باصطلاح ضدا امپریالیست بودن و مخالفت با آمریکا یا بقول خودشان شیطان بسزگی بطرز رقت باری خط بطلان کشید مسائل پشت پرده ای که هر از چندگاهی با رشد تضادهای درونی امپریالیستها به بیرون درز میکند چگونگی عملکرد

به اثبات دروغین بودن چنین تبلیغاتی وجود دارد؟ اما اگر نیازی به این امر وجود ندارد سازشکاران نیز باید دریابند که با جمهوری اسلامی جز با گلوله نمیتوان سخن گفت و هرگونه کوششی برای مذاکره با این رژیم ددمنش که خود چنین وقیحانه دم از انتقام میزند و بر سرکوب انقلابیون تأکید میورزد آنهم در چنین شرایطی که توازن قوای انقلاب و ضدانقلاب در جنبش خلق کرد در وضع مناسبی قرار ندارد. جز ضربه زدن به جنبش خلق کرد نتیجه دیگری ندارد.



دروغین بودن این ادعا آنچنان روشن است که احتیاج چندانی به اثبات دوباره ندارد چرا که در واقعیت و لایه پیشمرگان خلق کرد کاملاً تحت حمایت شده ها بوده و بسه همین اعتبار هم امکان حرکت و ضربه زدن در این سطح را در کردستان دارا میباشد و ثانیاً علیرغم ادعای رژیم سرکوب ددمنشانه جمهوری اسلامی در کردستان صرفاً در رابطه با سازمانهای سیاسی و پیشمرگان مبارز نبوده و این رژیم به اشکال گوناگون به سرکوب توده های ستمدیده پرداخته و روزی نیست که خبر جنایتی از مزدوران رژیم در حق مردم مبارز کردستان پخش نگردد. چرا که جمهوری اسلامی در کردستان صرفاً با پیشمرگان خلق کرد مواجه نبوده و برعکس با جنبش توده ای درگیر است که برای رسیدن به خواستهای خود به تمامی اشکال مبارزه متوسل گردیده و ما هر روز در کردستان شاهد درگیریهای گوناگون نیروهای سرکوبگر رژیم با توده های ستمدیده میباشیم. و اما در شرایطی که خود جمهوری اسلامی از "انتقام" دم میزند و بر این امر تأکید دارد که در کردستان بر اساس "سازش" سیاستش را پیش برده است و به سرکوب گروهکها افتخار میکند دیگر چه نیازی



۱ - کلرگران مبارز کارخانه گشتی سازی خلیج فارس در بندر عباس به علت عدم پرداخت حقوق ۴ ماهه خود دست به یک اعتصاب پیروزمند زده و کارفرما را مجبور به پرداخت حقوق عقب افتاده خود نمودند.

۲ - اخیرا مزدوران رژیم بهانه رفع سد معبر پل دکه داران خیابان استامبول تهران پورش برده و هر کسی که کارت معافیت یا کسارت پایان خدمت همراهش نبود را دستگیر و تحویل کمیته انقلاب اسلامی مرکز دادند.

۳ - با تشدید تضادهای درونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، خمینی مزدور و صیتنامی ای که ۵ سال پیش تدوین نموده بود را تغییر داده و وصیتنامه جدیدی تدوین نمود.

۴ - نشریه فحاشینش سال تا بیمز گزارش داد که صادرات نفتی ایران در حال حاضر نصف صادرات شهر پور ماه میباشد این نشریه میافزاید که سه

جمهوری اسلامی برای ترغیب مشتریان خود به خرید نفت در قیمت آن تخفیفهای زیادی قائل گردیده است.

۵ - نشریه بلژیکی سونار اعلام نمود که آمریکا ۲۰۰۰ موشک هدایت شونده ضد تانک در فوریه سال ۱۹۸۷ به جمهوری اسلامی فروخته است.

۶ - هفته نامه الدستور چاپ لندن گزارش داد که اخیرا اسرائیل ۲۰۰ عدد موشک دریا به دریا از نوع جبرئیل به جمهوری اسلامی فروخته است. براساس این گزارش ایران مجموعا ۵۰۰ میلیون دلار در این معامله که با وساطت شرکت سوئیس انجام شده از اسرائیل سلاح خریده است.

۷ - براساس گزارش نشریه الاتحاد جمهوری اسلامی اخیرا ۱۰۰ موشک ضد کشتی و چند هواپیمای روسی از کشور چین خریداری کرده است. این روزنامه مینویسد که موشکهای فوق با موشکهای اگزوست ساخت

فرانسه مقابله مینماید. ۸ - ریگان رئیس جمهور آمریکا در رابطه با روابط فسروش اسلحه به جمهوری اسلامی توجه احسانه جدیدی متوسل گردید او اعلام کرد: "تسلیمات امریکائی برای ارتش ایران فرستاده شده نه به سسرای پاسداران انقلاب"!!!

۹ - روزنامه های ترکیه فحاش ساختند که اسرائیل با همکاری سازمان CIA با استفاده از خط هوایی ترکیه به ایران اسلحه ارسال میکرده است. روزنامه "خریت" مینویسد که تنها یک محصوله که شامل ۴۰۸ موشک ضدتانک بوده است توسط هواپیماهای دی - سی - ۱۰ در ۱ اکتبر ۱۹۸۵ و با اجازه رسمی آمریکا از اسرائیل برای رژیم

خمینی اسلحه حمل نموده است. ۱۰ - اخیرا آشکار گردیده که کمیته بزرگ پوفوزه سوئیس میلیونها دلار اسلحه به جمهوری اسلامی فروخته است. در میان این سلاحها موشکهای R.B.S.70 نیز میباشد که یکسری از پیشرفته ترین سیستمهای موشکی دفاع فدهوایی میباشد. این موشکها ابتدا به سنگاپور و سپس به ایران فرستاده شده اند.

۱۱ - کتیرائی معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش رژیم اعلام نمود که با تصویب شورای عالی جنگ حدود ۱۰۰۰۰ نفر از کارکنان آموزش و پرورش



جهت فراگیری فنون و مریبگری ،
آموزشهای نظامی و عقیدتسی
برای یکسال به سپاه پاسداران
منتقل میشوند .

x رژیم از پرداخت ۴۰ میلیون
ریال از حقوق کارگسران و
کارکنان گروه صنعتی خاور
تحت عنوان تامین هزینه ۳۰۰
باصطلاح رزمنده اسلام خودداری
نمود .

x کارگران مبارز شرکت
دغال سنگ البرز مرگبازی
و کارگران شرکت گسترده در
اعتراضی به کساحش
دستمزدهایشان دست به اعتصاب
زدند . در ضمن کارگران اعمتایی
شرکت گسترده خواهان پرداخت
۴ ماه دستمزد معوقه شان که
کارفرمای شرکت از پرداخت
ان امتناع ورزیده بنمود
گردیدند .

x رئیس مزدور شورای اسلامی
کارخانه فخر ایران بمناسبت
آخرین روز هفته بسیج اظهار
داشت که : تا کنون این
کارخانه ۱۲۰ کشته ، ۱۵
مفقودالاشرف و ۱۵ معلول
داشته و بالغ بر ۷۰ میلیون
ریال تقدیم جبههها نموده و
در حال حاضر نیز ۲۰٪ از
کارگران در جبهه های جنگ
هستند .
x در جلسه علنی ۲۲ آذرماه
مجلس فدایی، طرح تعدیست
بهلت تأدیه بدهیهای دهقانان
به تصویب رسید . در این طرح
آمده است که : " کلیتاً
کشاورزی که در اجرای قوانین

و مقررات اصلاحات ارضی
آریابهری بدهکار میباشد
و قبوی اقساطی آنها جهت
وصول در اختیار بانک
کشاورزی قرار گرفته ، چنانچه
از تاریخ تصویب این لایحه تا
پایان سال ۶۸ بهای قبوی را
بتدریج یا یکجا بپردازند از
پرداخت هر نوع خسارت ناشی از
تاخیر تأدیه معاف خواهند بود .

x رژیم در چهارچوب سیاستهای
فدظقی اش در رابطه با جنگ
دانشجویان را مجبور نموده
است که برای رفتن به جبههها
نام نویسی نمایند و در همانحال
آموزش نظامی را جزو واحدهای
درسی دختران دانشجو قرار
داده است .

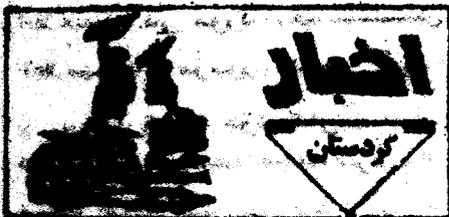
x سرهنگ رزمجو در مصاحبه
رادیوشی اخیر خود اعلام نمود
که : " افرادی که سابقاً به
دلائل پزشکی معاف شده اند
اکنون به جبهه اعزام میشوند
ولی در قسمت های غیر رزمی
از آنان استفاده خواهند کرد ."

x برادر بیماران بالایشگاه نفت
کرمانشاه توسط هواپیماهای
عراق عده ای از کارگسران و
کارکنان بیگناه این بالایشگاه
کشته و مجروح گردیدند .

x رئیس سازمان مرکزی تعاون
کشور اعلام نمود که : دولت
امسال بجسای سکه عیدی به
کارمندان ۱۴۰۰ تومان کالا به
قیمت دولتی میفروشد و سپس
اضافه کرد که این مقدار جنس
معادل خرید ۸۵۰۰ تومان کالا
در بازار آزاد میباشد . و به این

طریق رقمی حدود ۷ هزار تومان
کارمندان دولت صرفه جویی
خواهد شد !!!

x نشریه ابزورد در آستامبو
۱۹۸۷ فاش ساخت که سران مزدور
جمهوری اسلامی و مقامات
امریکائی در سوئیس بطور
محرمانه با همدیگر ملاقات
کرده اند . گفته میشود که
سرپرستی هیئت ایرانی را
محسن هاشمی پس رنستجانی
تدایتکار برعهده داشته است .



سردشت

x نیروهای سرکوبگر جمهوری
اسلامی به اهالی رنجده
روستای نالاس سردشت اعزام
کرده اند که باید به نسبت
برای پایگاهشان که در نزدیکی
روستا مستقر میباشد هر روز
نان بخت کرده و آب بیاورند .
این خواست ارتجاعی بنسبت
اعتراض روستائیان مواجهه
گشته و آنها با مقاومت
یکپارچه خود از تحقق این
برنامه جلوگیری نمودند .

x در چهارم آذرماه در روستای
کاشی زرد از توابع سردشت
اعلامیه های افشاگرانه ای بر
علیه رژیم بخش گردید . مزدوران
رژیم پس از اطلاع از این امر
روز بعد به روستای کاشی زرد

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۶ - اذر ۶۶

پورش برده و اهالی روستا را مورد آزار و اهت قرار دادند. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای شناسایی کسانی که اعلامیه‌ها را پخش کرده بودند عده ای از اهالی روستا را مجبور کردند حدود چهار ساعت و نیم سینه خیز بروند، اما اهالی در مقابل اعمال سرکوبگرانه مزدوران مقاومت کرده و جمهوری اسلامی نتوانست کوچکترین اطلاعاتی در مورد پخش اعلامیه‌های مزبور بدست آورد.

x دو سارق با جوش کار بهیست در یکی از مغازه‌های نزدیک مسجد جامع شهر سردشت که ق مهمترین عوامل توزیع کننده سهمیه روغن نباتی اهالی میباشد را گشوده و مشغول انتقال ۱۵۰۰ حلب روغن سهمیه شهر بداخل یک ماشین بودند که بوسیله مامورین شهربانی و کمیته دستگیر میگردد. بعد مشخص میشود که سارقین مزبور از تن از مزدوران رژیم بنامهای جعفر علی پور باسدار و جلیش خود فروخته جعفر کریمیسان بوده اند که روز بعد آزاد شده و هم اکنون نیز به وظایف سرکوبگرانه خود مشغول میباشد.

x اخیرا فرماندار خد خلقی سردشت شوراهای روستا شسی منطقه بویمنابیتی رادر روستای نالاس جمع کرده و برایشان سفارشی نمود. فرمانسدار باردیگر از روستا شسیان

خواست که روستاهایشان را تخلیه کنند اما این خواست ارتجایی با اعتراض روستائیان مواجه گشته و آنها با ایجاب همه و سرو صدای زیاد مانع از ادامه سفارشی شدند و فرماندار که با خشم و اعتراض روستائیان مواجه گشته بود در حالیکه فریاد میزد مگر با شما نیستم سفارشی خود را کوتاه کرده و گفت: دولت به اهالی این منطقه گفته است که باید روستاهایشان را تخلیه کنند و نکرده اند، از این پس بعد هم هر بلا و مصیبتی بر سرشان بیاید ما به آنها کاری نداریم.

x اخیرا روستائیان منطقه الان سردشت بمنظور اعتراض به سیاست کوچ اجباری رژیم در یکی از مسجدهای شهر سردشت تجمع کرده و از مسئولین جمهوری اسلامی خواستند تا در اجتماعشان حاضر شوند. روستائیان خواهشهای خود را در ۸ ماده تنظیم کرده و خواستار رسیدگی به آنها بودند اما مسئولین رژیم نه تنها از پاسخگویی به خواهشهای آنها ظفره رفتند بلکه به تهدید و ارباب آنها پرداختند. در نتیجه مردم مبارز الان اعلام کردند تا رسیدن به خواستهایشان به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

x اخیرا چند سارق مسلح که در نیمه های شب وارد بانسک باصطلاح قری الحینه بیا سردشت

شده و با تهدید و کتله کساری متعددی منسندوق کلید گاومندوق را از وی گرفته و میخواستند موجودی صندوق را به سرقت ببرند بوسیله مامورین شهربانی و سیاه دستگیر گردیده و با تهیه صورتحساب و شهادت عده ای از حاضرین به سیاه منتقل میشوند. ولی صبح روز بعد مشاهده میشود که دزدان شب گذشته با اسلحه در شهر در حال تردد میباشدند.

سارقین مذکور دو تن از منفورترین جاشهای وابسته به بخش نظامی اطلاعات سپاه سردشت بودند که با حمایت و اطلاع عده ای از دست انداز کلوران جیره خوار رژیم به این دزدی مبادرت ورزیده بودند.

دیواندره

x در شرایطیکه نفت در دیواندره در بازار سیاه به قیمت گران خرید و فروش میشود رژیم در ۴ ماه گذشته فقط ۲۰ لیتر نفت به اهالی تحویل داده است.

x در اوائل اذرماه زمانیکه مزدوران رژیم برای سرکوبگری به روستای دریندر منطقه دیواندره پورش میبرند با اهالی روستا درگیر میشوند و بدلیل تیراندازی بیسوی آنها یک نفر کشته و یک نفر مجروح میگردد. در جریان این درگیری اهالی روستا یکی از مزدوران رژیم

پیام فدائی

ارگان جریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۶ - آذر ۶۷

پیاره

x رژیم در شیرپاوه و روستاهای اطراف این شهر به افرادی که دوره شربیت معلم را سپری تمام رسانده اند گفته است که باید ۳ ماه به جبهه های جنگ بروند و تا کنون بیست و زور و اجبار موفق گردیده که ۲۰ تن از معلمین این منطقه را به جبهه ها اعزام نمایند.

بیرانشهر

x مزدوران رژیم احم از جاش و پناه از برای تو زمین بساز عطا می آید از اهلای روستای بردگان منطقه

نمود آنها خودشان تصدیق این را دانش آموزان را به جبهه ها رفتن به میه انهای مرگ انتخاب نمودند. مسئولین آموزش و پرورش دانش آموزان را تهدید کرده اند که اگر به جبهه نروند نخواهند توانست به دانشگاه راه یابند.

کامیاران

x در یکی از دبیرستانهای کامیاران درگیری شدیدی بین اکثریت دانش آموزانی که مخالف پوشیدن لباس بسیجی بودند با تعدادی از دانش آموزانی که لباس بسیجی تن کرده و از طرف رژیم حمایت میشدند روی داده.

را، طخ ملاح نموده و سختی کتک میزنند. نیروهای سرکوبگر رژیم به بهانه این درگیری همه ای از اهالی روستا را دستگیر و روانه زندان کرده اند.

مریوان

x روز ۲۵ آبانماه در مریوان زمانیکه مردم برای خرید مواد غذایی جلوی مغازه ای صف بسته بودند، مزدوران رژیم به بهانه جدا کردن صف مردان از زنان به مردم توهین کردند که با اعتراض آنها مواجه گشتند در این جریان یکی از مزدوران بسیجی جمعیت تیراندازی نمود که باعث کشته شدن یک نفر گردید این عمل وحشیانه خشم مردم را فزونی بخشیده و بعد از چند لحظه حدود ۲۰۰ نفر در محل حادثه تجمع نموده و ضمن سردادن شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ جبار و پاسدار به سمیت فرمانداری شهر حرکت نمودند

بانه



x هر یکی از دبیرستانهای شهر بانه دست اندرکاران رژیم از دانش آموزان خواستند که داوطلب اعزام به جبهه ها شوند اما از آنجا که هیچکس حاضر به رفتن به جبهه ها

x دولت ریگان و رهبران کنگره آمریکا موافقت نموده اند که حدود ۷۰ میلیارد دلار از مخارج دولت از طریق قطع کمکهای اجتماعی به مردم در دو سال آینده بکاهند. اما کارشناسان امور اقتصادی گفته اند در حالیکه مخارج

سالانه دولت آمریکا حدود یک تریلیون دلار ارزیابی میگردد، کاهش ۷۰ میلیارد دلار کمک به عارضه گزری خواهد نمود.

x بنابه گزارش هفته نامه میلی هرالد ۲۰ اکتبر ۱۹۸۷ قیمت سهام بازار داو جونس ۵۰۸ واحد سقوط کرده است. قیمت سهام بازار نیویورک داو جونس که خرید و فروش سهام حدود ۴۰ شرکت بسپوزیک صنعتی در آن انجام میگردد ۲۲/۶۲٪ افت داشته است که

زندگی فدائی را در زندان یاد کنید برای آزادی می جنگد

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائیان خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۶ - اذر ۶۶

در مقایسه با نزول قیمت است
 سهام در سال ۱۹۶۶ بیش از دو
 برابر بوده است و علیرغم
 اینکه موجب وحشت کارشناسان
 مالی گردیده و آن را مصیبت
 نامیده اند ولی به دلیل نقش
 و عملکرد بانکهای چگون
 فدرال رزرو بانک یا بانک
 مرکزی مادی نظیر بحران سال
 ۱۹۲۹ نداشته است .

x خبرگزارها گزارش دادند
 که طی شش سال اخیر صدور
 تسلیحات و جنگ افزار انگلستان
 ده برابر افزایش داشته است .
 این کشور در سال ۱۹۸۰ در حدود
 ۵۲۷ میلیون لیره استرلینگ
 فروش جنگ افزار داشته
 در حالیکه در سال ۱۹۸۶ همین
 رقم به ۵ میلیارد و ۶۰۰
 میلیون لیره صعود کرده است .
 x وزیر مشاور انگلستان در
 امور خارجی اعلام کرد که
 انگلستان آماده است همه
 نیازهای دفاعی کویت را تامین
 نماید .

x دورانه رئیس جمهور سربره
 السالوادور در سفرش به آمریکا
 به خوش رقصی مشغول گشته
 جدیدی متوسل گردیده و در مقابل
 ریگان و دیگر مقامات
 امریکایی گفت : من بارها از
 طریق رسانه ها دیده و شنیده ام
 که مردم دیگر کشورها پرچم
 امریکا را بواسطه نفرت از آن

به آتش میکنند . ولی من
 اجازه میخوام که آتش را
 بنوم و شوق پرچم امریکارا
 بسوزم .

x استیتوی بین المللی
 استکلم برای پژوهش ملج
 اعلام نمود که طی ۶ سال
 جنگ ایران و عراق مبلغ ۲۰۰
 میلیارد دلار دو کشور صرف
 واردات و تسلیحات
 نموده اند .

x عربستان خواستار خرید
 مین یاب به ارزش ۲۰ میلیون
 لیره استرلینگ از کشورهای
 امریکایی گردیده است .
 x سنی آمریکا لایحه فروش
 موشکهای استیگر به بحرین
 را تصویب نمود بر اساس
 این لایحه آمریکا حق بازده
 دائم از محل استقرار موشکهای
 فوق را خواهد داشت .

x ۵۵۰۰ نفر از کارگران
 یکی از معادن ذغال سنگ
 یوگوسلاوی به منظور افزایش
 دستمزد دست به اعتصاب زدند .
 در ضمن طبق اظهارات رئیس
 کنفدراسیون سندیکاهای
 کارگری یوگوسلاوی طی دو ماهه
 اول سال ۱۹۸۷ حدود ۱۲۹۶
 اعتصاب در این کشور برگزار
 گردیده است که در این
 اعتصابات حدود ۱۹۶۰۰۰ کارگر
 شرکت داشته اند .

x کارگران و کارکنان در
 بولیوی بمنظور افزایش

دستمزد ها و ایجاد کار برای
 صدها هزار بیکار دست به یک
 اعتصاب عمومی زدند .

x اعتصابات کارگری در کشور پرو
 در حال گسترش است برای نمونه
 اخیرا کارگران صنعت نفت و
 کارکنان مخابرات و معدنچیان
 دست به اعتصاب زدند .

x به علت ریزش بکر از معادن
 ذغال سنگ در ایالت ترانسوال
 افریقای جنوبی سه کارگر کشته
 شدند . بر اساس گزارش روتسرو
 طی سال گذشته جمعا ۸۰۰ کارگر
 در معادن مختلف افریقای
 جنوبی جان خود را از دست
 داده اند .

x پس از انتخابات ریاست
 جمهوری در کره جنوبی که توام
 با تقلبات گوناگون بود، چندین
 شهر این کشور هنوز هم محنه
 تظاهرات معترضین به ایمنی
 تقلبات میباشد . برای نمونه
 دانشجویان در شول محوطه
 کلیسای کاتولیک را به
 اشغال خود در آورده و ضمن
 سردادن شعارهایی بر علیه
 امریکا با پورش ماموران پلیس
 به مقابله برخاستند .

x نشریه شیکاگو تریبون
 گزارش داد که وزارت دفاع
 امریکا قصد دارد ماهنامه
 ۱۱۰ دلار اضافه حقوق بدهد
 ۱۰۰۰۰ نیروی نظامی امریکا
 در خلیج فارس پرداخت نماید .

مردم پرچم آمریکا بستی برقرار باد صلح و برائیت

این وزارتخانه اعلام کرده است که از نیروهای نظامی آمریکا در منطقه از جمله در کشورهای کویت و بحرین بخوبی پذیرائی میشود.

x بر اساس آمار منتشر شده از سوی بیمه لویدز لندن از پانزده سال ۱۹۸۱ تا کنون ۴۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته که به ۱۵۲ کشتی تنها در سال جاری حمله شده است. ضمناً ۹۲ کشتی نیز در بنادر منطقه مستقرند و نمیتوانند از این بنادر خارج شوند.

x واشنگتن پست گزارش داد: از آنجا که احتمال درگیری نظامی بین ایران و عربستان فزونی یافته است چند هزار سرباز پاکستانی که در عربستان سعودی مستقر بودند به پاکستان بازگردانده شدند. - ارتش نوین خلق فیلیپین عملیات خود را بر علیه موسسات امپریالیسم آمریکا گسترش داده و حدود ۲۰۰ چریک عضو این ارتش به شرکت امریکایی دل در ۸۰۰ کیلومتری مانیل حمله کرده و خسارات زیادی به آن وارد نمودند.

x بر اساس گزارش خبرگزاری آنگولا مبارزین سواپوی ماه اکتبر گذشته ۱۱۴ تن از نظامیان افریقای جنوبی را در نامیبیا به هلاکت رسانده اند در جریان این درگیریها ۱۹ خودروی نظامی رژیم فداطلبی

افریقای جنوبی نیز منهدم گردیده است. در ضمن این مبارزین راه آهن وینرتوک که مورد استفاده نیروهای سرکوبگر قرار داشت را نیز منهدم نمودند.

x در اعتراض به تعویق انداختن انتخابات ریاست جمهوری در هائیتی تظاهرات وسیع و برداشته ای در این کشور روی داد که بر اثر پورش نیروهای سرکوبگر به تظاهرکنندگان حدود ۲۶ نفر کشته و ۴۰ تن مجروح گردیدند.

x پس از معامله ننگین جمهوری اسلامی و فرانسه که به آزادی دو گروگان فرانسوی در لبنان منجر گردید

نشریه ایندی بن دنت گزارش داد که دولت فرانسه در قبال آزادی ۲ گروگان فرانسوی مقادیر زیادی تجهیزات نظامی و اسلحه و مهمات در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است.

x علیرغم همه تشبثات ژنرال ارشاد دیکتاتور بنگلادش اعتراض توده ای بر علیه رژیم حاکم بر این کشور و برای برکناری ارشاد هر روز بیشتر میگیرد. چندی پیش با انفجار چند بمب در نزدیکی پایگاه پلیس ضد شورش ایمن کشور ۸ پلیس زخمی گردیدند.

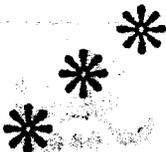
در بنگلادش از اول نوامبر تا کنون مردم به چندین اعتصاب عمومی در دفاع از حقوق پایمال شده خود دست زده اند. x مبارزین تامیل در حمله

خود یکی از زندانیان رژیم جنسایتکار سری لانکا ۵۵ نفر از زندانیان را از دست کردند عملیات فوق آنچنان دقیق طرح ریزی گردیده بود که یکی از مقامات پلیس سری لانکا مجبور گردید اعتراف کند که در جریان این عملیات حتی یک تک تیر هم از سوی مبارزین تامیل شلیک نشده است.

x دومبارز فلسطینی در یک اقدام متهورانه و بی سابقه که موجب وحشت بسیار صهیونیستها شد بادو هواپیماي گلايدر به پایگاه نظامی نیروهای سرکوبگر اسرائیل حمله نمودند در جریان این عملیات حداقل ۶ سرباز اسرائیلی به هلاکت رسیدند.

x تظاهرات و مبارزات خلق فلسطین در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه بر علیه صهیونیستها هر روز اوج تازه ای

میگیرد و علیرغم اینکه رژیم ددمنش اسرائیل در جهت سرکوب خلق فلسطین به سرکوب و حشانه این خلق مبارزات کرده و حداقل در طی اعتراضات اخیر حدود ۳۲ نفر فلسطینی شهید و عده زیادی مجروح و دستگیر شده اند اما مبارزات عادلانه خلق فلسطین برای حق تعیین سرنوشت خود همچنان تد اومد داشته و میروند تا دروازه های پیروزی را فتح کنند.



مزدوری جمهوری اسلامی ۰۰۰

از صفحه ۳۱

دادند و اتفاقاً انعکاس تضاد مابین دوجناح امپریالیستی رقیب در امریکا بر سر این موضوع بصورت کشمکش ها و دسته بندیهای بین بنی صدر و طرفدارانش از یکطرف و بهشتی معدوم و منتسبینش از طرف دیگر در ایران جریان داشت و بالاخره در این کشمکش نوکران بر سر تائید منافع این یا آن ارباب امپریالیستی بهشتی و دارو دسته اش با عدم

آزادی گروگانها تا اطمینان از پیروزی ریگان در انتخابات ریاست جمهوری، گوی سبقت از رقیب ربودند و امروز معلوم میشود که قربانی فرایین دلال کشیف از طرف CIA رابط این امر با سردمداران رژیم بوده است. در این رابطه گزارشهای دیگری نیز پیرامون ملاقات نمایندگان بهشتی مزدور با جرج بوش و ریچارد آلن در آن ایام بر سر مسئله گروگانها منتشر گردیده که حکایت از آن مینماید که نمایندگان مزدور

در ازاء دریافت پول کلانسی قول دادند آزادی گروگانها را تا انجام انتخابات ریاست جمهوری در امریکا به تأخیر بیاندازند. براساس این گزارشات آنچه که مسلم گردیده این امر میباشد که بهشتی بعنوان سگی در درگاه امپریالیسم نقش مهمی در پیروزی ریگان در انتخابات ریاست جمهوری ایفا کرده است که نمیتوانست خشم جناحهای مخالف ریگان را بر نیانگیزد.

تصحیح و غلطیهای شماره ۱۲ و ۱۴

در شماره های ۱۲ و ۱۴ پیام فدائی این اغلاط وجود داشته که به این وسیله آنها را تصحیح میکنیم.

غلط	صحیح	صفحه	ستون	نظر
۱۳	از اینرو	۶	۱	۱۴
و هم از این رو	نمایند	۱۸	۳	۲
۱۴	یافت	۱۹	۲	۱۳
تشریح کرده	تشریح کردن	۲۰	۲	۱۴
قس علی ذلک	قس علی ذلک	۲۰	۳	۱۶
قس علی ذلک	قس علی ذلک	۲۱	۱	۲۵
اماج	هدف	۲۱	۳	۲۱
ندار	ندارد	۲۴	۳	۲۴
امپریالیزم را	امپریالیزم	۲۲	۲	۲
نموده را	نموده	۲۲	۲	۱۰
حمید جلیلی	جلیل حمیدی	۲۸	-	-
بد است	پیدا است	۶	۱	۱۴
به توضیح	به تفصیل	۹	۱	۲۶
بشتر	بیشتر	۹	۳	۵
جز	جز	۲۱	۲	۲۴
در چارچوب	- در چارچوب	۱۹	۱	۲۲
مسئله	- مسئله	۱۹	۱	۲۲
نیاز طرح گردیده	را نیز طرح میکند	۱۹	۱	۲۴

پیش بسوی سازماندهی مسلح نوده ها

روزشمار اترمساء

- ۹/۷ / تولد فریدریک انگلس (۱۸۲۰)

- ۹/۸ / روز جهانی همبستگی با خلق فلسطین

- ۱۳۰۰/۹/۱۱ / شهادت میرزا کوچک خان

- ۹/۱۶ / شهادت دانشجویان مبارز شریعت رضوی ، احمد قندی ، مصطفی بزرگ نیسا (روز دانشجو)

- ۹/۱۶ / قیام مطحانه

- کارگران مسکو (۹ دسامبر ۱۱۰)

- ۹/۱۸ / سالروز انقلاب البانی

- ۹/۱۹ / روز استقلال جمهوری دمکراتیک خلق چین (۱۹۴۷)

- ۱۳۲۰/۹/۲۱ / سرکوب جنبش آذربایجان

- ۹/۲۱ / روز استقلال گینه (۱۹۶۰)

- ۱۳۳۰/۷/۲۴ / اشغال مهاباد

- ۹/۲۹ / تولد رفیق حسین صواوغلو از پیشوایان جنبش کمونیستی ایران

- ۹/۳۰ / تولد رفیق جوزف استالین (۱۸۷۹)



"هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار در وقت آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم!"
(ماگوتسه دون)



شهدای اترمساء

جریکهای فدائی خلق ایران

غلامرضا تالوردیان چایچی

۶۰/۹/۱۴

فریدون شافعی (کاک رحمان)

۶۱/۹/۲۶



رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

رفقا :

۵۱/۹/۷ اسدالله بشردوست

۵۵/۹/۲ پرویز نصیر مسلم

۵۵/۹/۲۹ زهرا آقایی قلبکی

ابوالقاسم ینگچه همدانیسان

۵۷/۹/۸

۶۰/۹/۲ ابوالقاسم امیری صحت

۶۰/۹/۲ عبدالکریم اجیراشی

۶۰/۹/۲ محمدحسین معینی

۶۰/۹/۸ سیمادریاشی

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین جریکهای فدائی خلق

راه کارگر زیرپوشش شعار جبهه در صدد ائتلاف با چه کسانی است؟

(قسمت دوم)

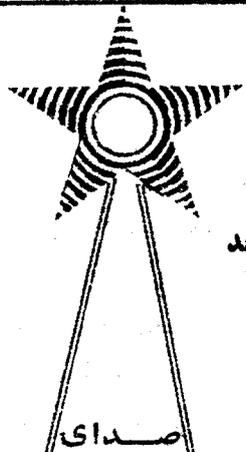
موضوع را پیگیری کنیم راه کارگر مینویسد: "اگر پیروزی قطعی (یعنی بازگشت نا پذیری) انقلاب دمکراتیک در کشور ما منوط به فراروشی بی وقفه آن به انقلاب اجتماعی است، انقلاب اجتماعی نیز برای شعله ور شدن نیازمند گز گرفتن انقلاب دمکراتیک است." پس معلوم میشود که قبل از انقلاب اجتماعی یک انقلاب دمکراتیک باید بوجود آید و این آن انقلابی است که از قرار برنامه حداقل راه کارگر یعنی همان برنامه‌ای

که تماماً در چارچوب بورژوازی قرار داشته و "هیچ عنصر سوسیالیستی در آن وجود ندارد" طی آن متحقق شده، رژیم جمهوری اسلامی سرنگون و به خیال راه کارگر دمکراسی در جامعه برقرار خواهد شد. واضح است که در واقعیت امر این را میتوان یک مرحله از انقلاب نامید ولی راه کارگر با زیرکی ویژه همه اپورتونیستها آن را "آغازی است" انقلاب خلقی "مینامد؛ و البته بازم با زیرکی راه کارگرگونه

صراحتاً معلوم نمیکند که در این مرحله از انقلاب و یا در این "آغاز انقلاب خلقی" و پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، ارگان حکومت در دست چه کسانی قرار گرفته و چه نوع حکومتی مستقر خواهد گردید. ولی در هر حال از آنجا که قرار نیست راه کارگر پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به آزادیهای سیاسی اکتفاء کند و در دمکراسی بورژوازی (۱۱) درجا زند این حکومت را تماماً به متحدین خویش واگذار میکند و سطح میسازد که او فقط در صفحه ۱۲

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکتیر آثار سازمانی بکشید



صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

ساعات پخش

۹ شب و

۶۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران

با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

فرانسه

انگلستان

F.S

B. P - 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

بر فرار با جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقات کارگر!